

مسئولیت در اسلام

مؤلف:

دکتر عبدالله عبدالرحیم عبادی

مترجم:

محمود خوش‌خبر

عنوان کتاب: مسؤولیت در اسلام
نویسنده: دکتر عبدالله عبدالرحیم عبادی
مترجم: محمود خوش‌خبر
موضوع: اسلام و اجتماع
نوبت انتشار: اول (دیجیتال)
تاریخ انتشار: دی (جدی) ۱۳۹۴ شمسی، ربیع الأول ۱۴۳۷ هجری
منبع:



این کتاب از سایت کتابخانه عقیده دانلود شده
است.

www.aqeedeh.com

book@aqeedeh.com

ایمیل:

سایت‌های مجموعه موحدین

www.aqeedeh.com

www.mowahedin.com

www.islamtxt.com

www.videofarsi.com

www.shabnam.cc

www.zekr.tv

www.sadaislam.com

www.mowahed.com



contact@mowahedin.com

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

فهرست مطالب

- پیشگفتار مترجم ۱
- مقدمه‌ی مؤلف ۷
- اساس مسئولیت ۹
- مسئول اول: پیشوا ۱۵
- حقوقی که ملت بر حکومت دارد به طور مختصر به شرح زیر است: ... ۲۳
- الف) امور مثبت: ۲۳
- ب) امور منفی ۲۵
- مسئول دوم: مرد در خانواده‌اش ۲۹
- ۱- مسئولیت نسبت به پدر و مادر ۲۹
- ۲- مسئولیت نسبت به فرزندان خردسال ۳۰
- ۳- مسئولیت مرد نسبت به همسر ۳۳
- ۴- مسئولیت مرد نسبت به خویشاوندان ۳۵
- ۵- نسبت به خدمتکار خانه: ۳۶
- مسئول سوم: مسئولیت زن در خانه‌ی شوهرش ۳۹
- مسئولیت خدمتکار و کارگر ۴۳
- مسئولیت عالم در مقابل دیگران ۴۷

-
-
- ۵۱ مسئولیت همسایه در برابر همسایه
- ۵۱ اول: نیکی کردن به همسایه
- ۵۲ دوم: همسایه را نیازاریم و به او بدی نکنیم
- ۵۳ سوم: تحمل کردن آزار همسایه
- ۵۵ مسئولیت‌پذیری پزشک نسبت به بیماران
- ۵۹ مسئولیت ثروتمندان نسبت به نیازمندان
- ۶۵ مسئولیت فرد مسلمان در برابر عموم مسلمانان
- ۷۱ مسئولیت مسلمان در برابر عموم انسان‌ها
- ۷۷ مسئولیت مسلمان نسبت به جانواران
- ۸۵ فرجامین سخن
- ۸۷ کتاب‌های مؤلف

پیشگفتار مترجم

ستایش از آن خدایی است که به انسان دو نعمت بزرگ دین و عقل بخشید. ذاتی که آدمی را آفرید و شیوه‌ی زندگی کردن را به او آموخت. درود خدای بر سرورمان محمد، خاتم انبیاء، خورشید تابناک، شخصیتی که با وحی و عقل آدمیان را در مسیر درست زندگی رهنمود فرمود، پیامبری که مسئولیت خویش را به وجه کامل و خیرخواهانه به بشریت رساند، بار الهی، بر این پیامبر بزرگوار درود و برکت فرست. خداوند، از خاندان و یارانش «... کسانی که به او ایمان آوردند و بزرگش داشتند و یاریش کردند، و پیروی کردند نوری را که با او نازل شده است، آنان همان رستگارانند» [الأعراف: ۱۷۵]. و همه‌ی دعوت‌گران راستین دینش خشنود باد، آمین یا رب العالمین.

خداوند ﷻ آدمیان را خلق کرده که وی را بندگی کنند، و بندگی هم در سایه‌ی پیروی بی‌چون و چرای خدای فرمانروای فریادرس تحقق می‌یابد. بندگی خدا، یعنی انسان همان‌گونه که خدا می‌خواهد باشد، و این فقط با توجه کامل انسان به اوامر و نواهی باری تعالی میسر است، باید‌ها و نبایدها را به خوبی بشناسد و آن‌ها را در زندگی به کار بندد. رستگاری انسان در رکوع، سجود و بندگی الله و انجام دادن کار خوب است:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا ارْكَعُوا وَاسْجُدُوا وَعَبُدُوا رَبَّكُمْ وَافْعَلُوا الْخَيْرَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ﴾ [الحج: ۷۷].

«ای مؤمنان رکوع کنید و به سجده روید و پروردگار خویش را بندگی کنید و کار خوب انجام دهید تا این که رستگار شوید».

رستگاری و خوشبختی دو دُرُ گمشده‌ی انسان است و همه‌ی آدمیان در تحصیل آن دو هر رنجی را متحمل می‌شوند، به طوری که هیچ انسانی را نمی‌یابی که هدفش از زندگی دستیابی به آن دو و نجات از بدبختی نباشد. اگرچه آدمیان در دستیابی به رستگاری و خوشبختی راه‌های گوناگونی را برگزیده‌اند اما خدای حکیم و آفریدگار دانا تنها راه خوشبختی را در بندگی خود و فرمانبری از فرامین حیات‌بخش خود می‌داند، و جز دوستان خدا، کسی دیگر نمی‌تواند خوشبخت باشد. دوستان خدا، مؤمنان تقوا پیشه‌ای هستند که نه خوف دارند و نه حزن.

بنابراین باید اول فرمان‌های خدا را آن‌طور که سزاوار است اجرا نمود:

﴿يُنَاقِهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تُقَاتِهِ وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنتُمْ مُسْلِمُونَ﴾ [آل‌عمران: ۱۰۲].

«ای کسانی که آورده‌اید از خدا بترسید، آن گونه که حق ترسیدن از وی است و نمیرید جز به بر (آئین) اسلام».

در پی این فرمان‌بری انسان به سعادت ابدی به دور از حزن و خوف نسبت می‌یابد:

﴿أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ لَا خَوْفَ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ﴾ [الَّذِينَ ءَامَنُوا وَكَانُوا يَتَّقُونَ] ﴿٣٦﴾ لَهُمُ الْبُشْرَىٰ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَفِي الْآخِرَةِ لَا تَبْدِيلَ لِكَلِمَاتِ اللَّهِ ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ﴾ [يونس: ۶۲-۶۴].

«آگاه باشید که بر دوستان خدا نه ترسی است و نه اندوهگین می‌شوند، آنان که ایمان آورده و تقوا پیشه کرده‌اند. برای آنان در زندگی دنیا و آخرت بشارت است».

آری خداوند انسان را مسئول آفریده و مسئولیت وی ابلاغ رسالت آسمان به زمینیان است که در طول تاریخ، انبیاء علیهم السلام این کار را به نحو احسن انجام داده‌اند.

رسالت مؤمن سه شاخه دارد: شاخه‌ای روحی و روانی است که انسان در این قسمت بعد از معرفت خدای عَلَّیْهِ به فرمانبری وی و تهذیب و تزکیه خویش می‌پردازد:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا ارْكَعُوا وَاسْجُدُوا وَعَبُدُوا رَبَّكُمْ وَأَفْعَلُوا الْخَيْرَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ﴾ [الحج: ۷۷].

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید! رکوع کنید، و سجود بجا آورید، و پروردگارتان را عبادت کنید، و کار نیک انجام دهید، شاید رستگار شوید!».

که ابزار این کار رکوع، سجود و بندگی است، شاخه‌ی دیگر رسالت انجام دادن کار خوب است: ﴿وَأَفْعَلُوا الْخَيْرَ﴾.

کار نیک نشانه‌ی مسلمانی است. مسلمانان در جامعه سرچشمه‌ی خوبی‌ها و سرشار از نیکی‌هاست. او نه تنها خود فاعل خیر است بلکه دعوتگر خیر نیز هست و برتری مسلمان هم در امر به معروف و نهی از منکر و کار خیر است، و این از معجزات قرآن است که انسان را مأمور به خیر مطلق نموده است، خیر برای انسان، اعم از مسلمان و غیرمسلمان و خیر برای جانوران، تا بدین وسیله مسلمان به همه‌ی انسان‌ها و در برابر کل طبیعت خود را مسئول بداند و همه‌ی موجودات از خیر و نیکی مسلمان بهره‌مند شوند و رسول مکرم اسلام ﷺ چه نیکو فرموده‌اند:

«فِي كُلِّ كَيْدٍ رَطْبَةٌ أَجْرٌ»^۱.

«در نیکی به هر موجود زنده‌ای پاداش است.»

از عظمت اسلام است که مسلمان در همه‌ی کارهای نیکی که انجام می‌دهد پاداش دارد:

«مَا مِنْ مُسْلِمٍ يَغْرِسُ غَرْسًا، أَوْ يَزْرَعُ زَرْعًا، فَيَأْكُلُ مِنْهُ طَيْرٌ أَوْ إِنْسَانٌ أَوْ بَهِيمَةٌ، إِلَّا كَانَ لَهُ بِهِ صَدَقَةٌ».

«هر مسلمانی که درختی بکارد و یا زراعتی را کشت کند و از آن پرند یا انسان و یا حیوانی بخورد قطعاً برای وی صدقه به حساب می‌آید»^۲.

بنابراین همه‌ی کارهای مسلمانان، از نیکی به پدر و مادر، صله‌ی رحم، نیکی به همسایه، عطف بر فقیران و مستمندان، مهربانی با یتام و درمانده‌ها، رحم و شفقت به هر موجود زنده‌ای، همه‌ی این خصال خوب و پربرکت از ندای ربانی سرچشمه می‌گیرد که:

﴿وَأَفْعَلُوا الْخَيْرَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ﴾ [الحج: ۷۷].

«به امید آن که رستگار شوید کار خوب انجام دهید.»

سومین شاخه‌ی رسالت مؤمن، جهاد است:

﴿وَجَاهِدُوا فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ هُوَ اجْتَبَاكُمْ﴾ [الحج: ۷۸].

«در راه خدا چنان که سزاوار جهاد در راه اوست جهاد کنید، اوست که شما را برگزید.»

۱- بخاری باب مظالم حدیث شماره: ۲۴۶۶- مسلم در باب سلام، حدیث شماره: ۲۲۴۴.

۲- صحیح بخاری باب الحرث والمزارعة، حدیث شماره: ۲۳۲۰- صحیح مسلم، باب مساقات، حدیث شماره: ۱۵۵۳.

جهاد و تلاش مسلمانان برای اعلاى شريعت غراى محمدى شاخه‌اى از رسالت ايشانست. كارزار مسلمانان در تمامى عرصه‌هاى زندگى، با قلم، زبان، جان، مال و ... عمران و پاى‌سازى زمين از رذائل و زيباسازى آن با فضائل همه جهاد است، بنا بر اين مسؤليت مؤمن در قبال خداوند ﴿أَرْكَعُوا وَأَسْجُدُوا وَعَبُدُوا رَبَّكُمْ﴾ است و در ارتباط با جامعه ﴿وَأَفْعَلُوا الْخَيْرَ﴾ ﴿وَجَاهِدُوا فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ﴾ است.

همه‌ى مطالبى كه بيان شد پيامبر اسلام ﷺ آن را به نصيحت، حس مسؤليت و خيرخواهى مسلمان تعبير مى‌كند و مى‌فرمايند:

«الدِّينُ النَّصِيحَةُ. قُلْنَا لِمَنْ؟ قَالَ: لِلَّهِ وَلِكِتَابِهِ وَلِرَسُولِهِ وَلِأُمَّةِ الْمُسْلِمِينَ وَعَآمَّتِهِمْ».

«دين نصيحت است. گفتيم براى چه كسانى، فرمود: براى الله، كتابش، پيامبرش، پيشوايان و عامه‌ى مسلمانان».

در اين بيان نبوى كل دين نصيحت خوانده شده است، بنا بر اين عمل ناصحانه و خيرخواهانه مؤمن دين و آيين اوست.

مؤلف اين كتاب دكتور عبدالله عبدالرحيم عبادى از علمائى برجسته، انديشمند و فرزانه‌اى است كه در آن مسؤليت مسلمان را از جنبه‌هاى مختلف بررسى كرده است: مسؤليت نسبت به خود، خانواده، جامعه، دولت و ...

دكتور عبدالله عبادى، از علمائى معاصر و از ساكنين شهر دوحه قطر مى‌باشد. وى در بندر عسلويه به دنيا آمده و از همان اوايل كودكى علاقه‌مند به تحصيل علوم دينى بود. به همين سبب خدمت علامه شيخ احمد سعادتى مى‌رسند تا دروس مقدماتى را نزد وى بياموزند. بعد از مدتى به دوحه قطر و بعد به عربستان سعودى و سرانجام به سوريه و مصر سفر مى‌كنند و نزد

علمای اسلام و در دانشگاه‌های مکه، مدینه، سوریه و در پایان در جامعه الازهر تحصیلات خود را ادامه می‌دهد و به اخذ مدرک فوق لیسانس و دکترا در رشته‌ی حقوق و مبانی فقه موفق می‌شود.

دکتر عبدالله در زمینه‌های مختلف اخلاقی، علمی، ادبی، اجتماعی و فقهی کتاب تألیف و منتشر کرده و بخشی از آن‌ها را به کتابخانه‌های مسلمین اهداء نموده است. خداوند به وی و همه‌ی دعوت‌گران و تلاش‌گران راه حق جزای نیکو عطا فرماید.

انتخاب کتاب برای ترجمه همان انگیزه‌ای است که هدف تمام خیرخواهان نیز بوده است، علاوه بر این، موضوع کتاب مسئولیت و خیرخواهی است و دارای مطالب ارزنده‌ای است که برای جامعه اسلامی مفید واقع می‌شود و این جانب با بضاعت مزجات به ترجمه‌ی آن پرداختم و معترفم که در این مورد لغزش و شاید ایهام باشد. امیدوارم خواننده‌ی محترم لغزش را اصلاح و مترجم را از آن آگاه سازد.

و السلام علی من اتبع الهدی.

محمود خوش‌خبر ۱۳۸۶/۷/۱ ه. ش

مقدمه‌ی مؤلف

ستایش خداوند را سزد و درود و سلام بر فرستاده‌ی خدا و بر خاندان و یاران و پویندگان راه وی باد. دین اسلام خصوصیتی دارد که دیگر ادیان آسمانی و قوانین وضعی موجود ندارند، مثلاً در زمینه‌ی عبادات، معاملات، اقتصاد، جامعه، تعلیم، تربیت، آداب، اخلاق، نظارت و مراقبت

چرا دین اسلام این همه ویژگی را نداشته باشد، در حالی که آخرین دین از ادیان آسمانی تا روز قیامت است.

یکی از خصوصیات که این دین بزرگ را ممتاز کرده، مسؤولیت‌شناسی در مقابل دیگران است، این احساس مسؤولیت کاملاً با مسؤولیت‌های دیگر انسان متفاوت و منحصر به فرد است، زیرا این نوع وظیفه‌شناسی در نتیجه‌ی نظارت خدا بر انسان و ترس وی از آفریدگار و طمع در پاداش بزرگ، از درون، حقیقت و گوهر انسان مسلمان سرچشمه می‌گیرد.

به عبارتی دیگر این وظیفه‌شناسی و احساس مسؤولیت را، هیچ‌کس بر عهده‌ی انسان نگذاشته است و پیگرد قانونی و ترس از مجازات هم آن را به وجود نیاورده است. بلکه در حقیقت این همان تقوایب‌شناسی و بندگی است که موجب تقرب انسان به مولا می‌شود این مدعایی است که دشمنان هم به آن گواهی می‌دهند. دو ژنرال فرانسوی در سال ۱۹۴۶ مقاله‌ای نوشتند و در آن گفتند: «ما همه‌ی تلاش و تجربه‌ی خویش را در زمینه‌ی نظام‌های اقتصادی و سرمایه‌داری و اداری به کار برده‌ایم و شکست خورده‌ایم، و مهم‌ترین چیزی که باعث شکست ما شد رعایت نکردن عدالت در توزیع، و نبود نظارت بوده است و متوجه شدیم که در اسلام چیز عجیبی وجود دارد، زیرا نظارت در آن‌جا از یک شخص بر شخص دیگر و یا یک گروه بر گروه

دیگر نیست، بلکه نظارتی که اسلام آورده این است که انسان باید مواظب رعایت حدود پروردگار باشد و این مواظبت از وجدان درونی انسان سرچشمه می‌گیرد، وجدان به تنهایی در واقع نیروی مخفی و پلیس نامحسوس است»^۱.

در اسلام احساس مسئولیت در زندگی افراد و گروه‌ها دارای اهمیت و فواید فراوانی است، و همه‌ی جامعه را در بر می‌گیرد، به طور کلی سلامتی و تباهی وضعیت اجتماعی و کلیه‌ی امور اجتماعی به احساس مسئولیت و وظیفه‌شناسی بستگی دارد. در یک جامعه هرگاه فرمانروا و مسؤول اصلاح شود شهروند هم اصلاح می‌گردد و بر عکس هر گاه فرمانروا به تباهی رود و فاسد شود مردم هم فاسد می‌شوند. صلاحیت فرمانروا به این معناست که خود را در هر امر کوچک و بزرگی بازخواست کند و اعمال نیک و بد خود را مقایسه کند و باور داشته باشد که در پیشگاه خداوند مورد بازخواست قرار می‌گیرد.

برای این که جامعه یک جامعه‌ی قوی و سالم و از ناهنجاری‌های اجتماعی به دور باشد دین مبین اسلام، مسئولیت را بر عهده‌ی همه‌ی افراد جامعه اعم از زن و مرد، حاکمان و شهروندان گذاشته است، البته به جز کودکان، و دیوانگان که این‌ها مکلف نیستند.

با قراردادن مسئولیت بر دوش همه‌ی افراد و گروه‌ها توازن در اجتماع به وجود می‌آید، و هر فرد از افراد جامعه می‌داند که باید جوابگوی کردار و گفتار و منویات خویش باشد و از این راه اهداف والای انسانی و اسلامی و مقاصدی که شریعت فرزانه آن را دنبال می‌کند تحقق می‌یابد.

۱- ن. ک «الأعمال المصرفية والإسلام» استاد مصطفی الهمشری و همچنین کتاب «الأداب والأخلاق الإسلامية» از همین مؤلف.

اساس مسئولیت

مبنای مسئولیت‌پذیری در اسلام این گفتار پیامبر ﷺ است:

«كُلُّكُمْ رَاعٍ، وَكُلُّكُمْ مَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ، فَالْإِمَامُ الَّذِي عَلَى النَّاسِ رَاعٍ وَهُوَ مَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ، وَالرَّجُلُ رَاعٍ عَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ وَهُوَ مَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ، وَالْمَرْأَةُ رَاعِيَةٌ عَلَى أَهْلِ بَيْتِ زَوْجِهَا وَوَلَدِهِ وَهِيَ مَسْئُولَةٌ عَنْهُمْ، وَعَبْدُ الرَّجُلِ رَاعٍ عَلَى مَالِ سَيِّدِهِ وَهُوَ مَسْئُولٌ عَنْهُ، أَلَا فِكُلُّكُمْ رَاعٍ وَكُلُّكُمْ مَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ»^۱.

«همه‌ی شما مسؤولیتی دارید و از حوزه‌ی مسئولیت خویش بازخواست می‌شوید، بنابراین امام و رهبر جامعه در برابر رعیت مسئولیت دارد، مرد سرپرست خانه است و نسبت به افراد تحت مسئولیت خود بازخواست خواهد شد، زن در خانه‌ی شوهر و نسبت به فرزندان مسئولیت دارد و نسبت به افراد تحت مسئولیت خود بازخواست خواهد شد، و خدمتکار نسبت به اموال آقایش مسئولیت دارد، باید پاسخ‌گو باشد، آگاه باشید که همه‌ی شما مسئولیت دارید و هر کس نسبت به مسئولیتش باید پاسخ‌گو باشد».

طیبی می‌گوید: در این حدیث راعی (سرپرست) مطلوب به ذات نیست بلکه وی تعیین شده تا از چیزی که مالک مقرر کرده حفاظت نماید. این‌رو سزاوار است که سرپرست تنها در چیزی دخل و تصرف کند که شارع دستور داده است، و این من باب تمثیل است و لطیف‌تر و جامع‌تر و بلیغ‌تر از این حدیث در این باب وجود ندارد. در ابتدا به صورت مجمل سپس مفصل و

۱- بخاری باب العبد راع في مال سيده، مسلم (حدیث: ۳۴۰۸) باب فضيلة الإمام العادل.

به طور مشروح بیان شده و در پایان همان مطلب را برای تأکید با حرف تنبیه می‌آورد.

برخی اندیشمندان گفته‌اند: لفظ «راعی» عام و شامل همه‌ی افراد جامعه می‌شود حتی شخصی را که همسر، فرزند، خدمت‌کار و افراد تحت تکفل ندارد هم شامل می‌شود، زیرا انسان نسبت به اندام بدن خویش مسئولیت دارد، او اندام خویش را ملزم به اجرای فرامین الهی می‌نماید و آن‌ها را از ارتکاب زشتی‌ها باز می‌دارد، بدین جهت اندام انسان افراد تحت مسئولیت وی می‌شود. و راعی بودن انسان منافاتی با رعیت بودنش ندارد، یعنی می‌شود انسان در عین این‌که راعی است، رعیت هم باشد.

در ادامه‌ی این حدیث در روایت انس جمله‌ی دیگری آمده است: «فَاعْدُوا لِلْمَسْأَلَةِ جَوَاباً». «برای این مسأله جوابی آماده سازید». گفتند: جواب آن چیست؟ فرمود: «أعمال البر» «کارهای نیک»^۱.

طبرانی در کتاب «الأوسط» به نقل از ابو هریره رضی الله عنه حدیثی را روایت می‌کند:

«ما من راعٍ إلا يُسأل يوم القيامة، أ أقام أمر الله أم أضاعه»^۲.

«هیچ سرپرست و عهده‌دار مسئولیتی وجود ندارد مگر این‌که در قیامت از وی پرسیده می‌شود که: آیا فرمان خدا را در مورد رعیت اجرا کرده و یا آن را زیر پا نهاده و نسبت به آن بی‌توجه بوده است»؟

۱- ابن عدی و طبرانی در الأوسط با سند صحیح آورده‌اند. (ح ۳۷۱۴ معجم الأوسط، طبرانی).

۲- المعجم الأوسط، طبرانی (ح ۸۹۵۶).

ابن عدی حدیثی را با سند صحیح از انس رضی الله عنه نقل کرده که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:

«إِنَّ اللَّهَ سَائِلٌ كُلَّ رَاعٍ عَمَّا اسْتَرْعَاهُ، حَفِظَ ذَلِكَ أَمْ ضَيَّعَهُ.»

«خداوند از هر صاحب مسئولیتی در مورد کسانی که مسئولیت‌شان را به عهده دارد می‌پرسد که آیا مسئولیت خود را نسبت به زیردستان انجام داده یا که حقوق آن‌ها را ضایع کرده است؟»

حافظ ابن حجر در تعریف راعی می‌گوید: راعی همان فرد مورد اطمینان و متعهدی است که امانتی را که به وی سپرده شده حفظ نماید و عدالت را درباره‌ی آن رعایت نموده و به نفع آن اقدام کند.

خطابی می‌گوید: «امام (فرمانروا)، رجل (مرد) و همه‌ی کسانی که در این حدیث از آن‌ها نام برده شده است راعی نامیده شده‌اند، یعنی همه در این نام‌گذاری مشترک‌اند، ولی مفهوم راعی برای هر کدام متفاوت است، راعی بودن پیشوای بزرگ (رهبر) با اجرای قوانین اسلام در جامعه، و رعایت عدالت و دادگستری در حکومت است. و راعی بودن مرد در خانواده به این مفهوم است که خانواده را مدیریت و حقوق آن‌ها را ادا کند. و راعی بودن زن به معنی، اداره‌ی خانواده و امور مربوط به فرزندان و خدمتکاران است و در همه‌ی این موارد نسبت به شوهرش خیرخواه باشد. و راعی بودن خدمت‌کار به معنی نگه‌داری و حفاظت از اموال و اشیائی است که در اختیارش گذاشته شده و انجام دادن کارهایی است که به عهده‌ی اوست.

هرگز مفهوم حدیث این نیست که مسئولیت را در این چهار کس منحصر کند، بلکه این حدیث پایین‌ترین و بالاترین فرد مسؤول در جامعه را نام برده و افراد دیگر مسؤول را جا گذاشته (تا بگوید همه‌ی افراد در جامعه مسئولیت دارند). این حدیث مانند این سخن پیامبر است که می‌فرمایند:

«الإِيمَانُ بِضْعٌ وَسَبْعُونَ شُعْبَةً فَأَفْضَلُهَا لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَدْنَاهَا: إِمَاطَةُ الْأَذَى عَنِ الطَّرِيقِ».

«ایمان هفتاد و چند قسمت است که برترین آن‌ها گفتار لا اله الا الله و پایین‌ترین آن‌ها پاک کردن راه و مسیر مردم از آزار و اذیت است».

این حدیث از سخنان جامع پیامبر ﷺ است که چهار تا از مسئولین شاخص در جامعه را ذکر نموده و بقیه را شامل این سخن جامع خویش کرده است که: «كُلُّكُمْ رَاعٍ، وَمَسْئُولٌ عَنِ رَعِيَّتِهِ». «همه‌ی شما مسئولیت دارید و هر مسئول در مورد افراد تحت سرپرستی خود بازخواست می‌شود».

مسئولیت امام (پیشوا) نسبت به افراد جامعه

- ۱- پیشوا به چه کسی گفته می‌شود؟
- ۲- جایگاه پیشوا در جامعه و همچنین جایگاه پیشوای عادل نزد خداوند در روز قیامت.
- ۳- مسئولیت پیشوا نسبت به ملتش، در امور زیر:
(الف) امور مثبت:

- ۱) حاکمیت شریعت خداوند در میان مردم.
 - ۲) انتخاب اعضای شورا و مشاوران
 - ۳) فراهم کردن امنیت داخلی و خارجی جامعه
 - ۴) توسعه‌ی وضعیت معیشت مردم
 - ۵) فراهم کردن بهداشت و درمان برای عموم افراد جامعه
 - ۶) فراهم کردن آموزش برای عموم افراد جامعه
- (ب) امور منفی

- ۱) وسایل تبلیغاتی
- ۲) کتاب‌های گمراه‌کننده، روزنامه‌ها و مجلات رواج‌دهنده
اباحی‌گری.

مسئول اول: پیشوا^۱

منظور از پیشوا، حاکم، پادشاه، فرمان‌روا، رئیس‌جمهور، نخست‌وزیر و کسانی که چنین مسئولیتی دارند، و کلیه کسانی که در جامعه قدرت عملی یا اجرایی دارند مانند: وزیر، قاضی، رئیس اداره، رئیس دانشگاه، مدیر مدرسه و ... است، ولی نسبت به ملت بزرگ‌ترین مسئولیت بر دوش حاکم و فرمان‌روا (شخصیت اول مملکت) است، زیرا او مسئول اول است و قدرت کامل در اختیار اوست. او اولین مسئولی است که می‌تواند برای ملتش خیر و شر بیاورد، زیرا اگر او سالم باشد ملت و رعیت سالم می‌مانند و اگر او تباه شود به دنبال وی مردم تباه و فاسد می‌شوند، زیرا حاکم برای ملت همانند آیینه است و مردم در کردار و گفتار و رفتار او به دقت می‌نگرند و راه و شیوه‌ی او را دنبال می‌کنند و در همه‌ی امور از او تقلید می‌کنند، خواه خیر و یا شر.

حاکم در میان ملت شباهت به قلب دارد به نسبت اعضای دیگر انسان، هر گاه قلب سالم بماند بقیه‌ی اعضای بدن سالم می‌مانند، و اگر قلب فاسد و تباه گردد سایر اعضای بدن فاسد می‌شوند.

پیامبر ﷺ می‌فرماید:

«أَلَا وَإِنَّ فِي الْجَسَدِ مُضْعَةً إِذَا صَلَحَتْ صَلَحَ الْجَسَدُ كُلُّهُ وَإِذَا فَسَدَتْ فَسَدَ الْجَسَدُ كُلُّهُ أَلَا وَهِيَ الْقَلْبُ»^۲.

۱- ن. ک: به کتاب دیگر بنده «من الآداب والأخلاق الإسلامية»

۲- بخاری و مسلم و ابن ماجه آن را روایت کرده‌اند.

«آگاه باشید که در جسم تکه گوشتی هست، اگر سالم باشد همه‌ی بدن سالم می‌ماند و اگر فاسد شود همه‌ی بدن فاسد می‌شود و آگاه باشید که آن همان قلب است.»

امام برای ملتش در همه چیز الگوست: در عدالت و ستم، در تواضع و تکبر، در سخاوت‌مندی و بخیلی، در اسراف و خسیسی، در نظم و بی‌نظمی. این چیزی است که در جوامع معاصر امروز کاملاً ملموس و قابل توجه است و هر کس کم‌ترین بهره از تیزهوشی و زیرکی برده باشد آن را می‌داند. بنابراین جامعه‌ای که از پیشوای سرآمد، مدیر، مدبر، کاردان و دادگر برخوردار باشد مردم را به جهت تکامل و پیشرفت هدایت می‌کند و عکس آن پیشوایی ناکارآمد و ستمگر است. به همین دلیل یکی از اولین کسانی که خداوند آنان را در روز قیامت زیر سایه‌ی عرش خویش قرار می‌دهد اما عادل است. پیامبر بزرگوار اسلام می‌فرماید:

«سَبَعَةٌ يُظِلُّهُمُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِي ظِلِّهِ، يَوْمَ لَا ظِلَّ إِلَّا ظِلُّهُ إِمَامٌ عَادِلٌ، وَشَابٌّ نَشَأَ فِي عِبَادَةِ اللَّهِ، وَرَجُلٌ ذَكَرَ اللَّهَ فِي خَلَاءٍ فَفَاضَتْ عَيْنَاهُ، وَرَجُلٌ قَلْبُهُ مُعَلَّقٌ فِي الْمَسْجِدِ، وَرَجُلَانِ تَحَابَّا فِي اللَّهِ، وَرَجُلٌ دَعَتْهُ امْرَأَةٌ ذَاتُ مَنْصِبٍ وَجَمَالَ إِلَى نَفْسِهَا قَالَ إِنِّي أَخَافُ اللَّهَ. وَرَجُلٌ تَصَدَّقَ بِصَدَقَةٍ فَأَخْفَاهَا، حَتَّى لَا تَعْلَمَ شِمَالَهُ مَا صَنَعَتْ يَمِينُهُ»^۱.

«خداوند هفت گروه را در روز قیامت، روزی که سایه‌ای جز سایه‌ی رحمت او نیست زیر سایه‌ی رحمتش قرار می‌دهد: ۱. امام (حاکم) عادل ۲. جوانی که در عبادت خداوند رشد یافته است. ۳. مردی که به مسجد دل بسته است، از وقت خارج شدنش از مسجد تا بازگشت به آن لحظه شماری می‌کند. ۴. دو نفر که به

۱- صحیح بخاری (ح ۶۲۰)، صحیح مسلم (ح ۱۷۱۲)، مسند احمد (ح ۹۲۸۸)، نسائی (ح ۵۲۸۵)، ترمذی (ح ۲۳۱۳).

خاطر خدا همدیگر را دوست داشته باشند، و اساس دوستی‌شان و نیز جدایی آن‌ها از همدیگر تنها خداوند باشد. ۵. مردی که در خلوت خدا را ذکر کند و چشمانش پر از اشک شود. ۶. مردی که زن صاحب منصب و زیبایی برای کامجویی او را بخواند ولی او در پاسخ بگوید من از پروردگار جهانیان می‌ترسم. ۷. کسی که در صدقه دادن طوری عمل کند که دست چپش از داده دست راستش اطلاع نیابد (کنایه از پنهان کاری در صدقه دادن به مستمند)».

در این حدیث امام عادل در رأس این هفت گروه قرار دارد و این امر بیانگر جایگاه عظیمی است که امام در روز قیامت دارد و البته به شرطی که در فرمانروایی و داوری عادل بوده و وظایف خویش را نسبت به ملت به خوبی انجام داده باشد.

عیاض بن حمار رضی الله عنه می‌گوید: من از پیامبر خدا شنیدم که می‌فرمود:

«أَهْلُ الْجَنَّةِ ثَلَاثَةٌ: ذُو سُلْطَانٍ مُّقْصِدٌ مُّوَفَّقٌ وَرَجُلٌ رَّحِيمٌ رَقِيقُ الْقَلْبِ لِكُلِّ ذِي قُرْبَىٰ وَمُسْلِمٍ وَفَقِيرٌ عَفِيفٌ مُّتَّصِدٌّ»^۱.

«اهل بهشت سه گروه هستند: حاکم عادل موفق، مردی مهربان و نرم‌دل نسبت به همه‌ی خویشاوندان و مسلمانان، و فقیر پاک‌دامن و پرهیزگار که صدقه می‌دهد»^۲.

حاکم اگر ستمگر و مستبد و خودرأی باشد و قوانین اسلام را پشت سر اندازد در روز قیامت جایگاه پست و دردناکی دارد. پیامبر خدا می‌فرماید:

«اللَّهُمَّ مَنْ وَلِيَ مِنْ أَمْرِ أُمَّتِي سَيِّئًا فَشَقَّ عَلَيْهِمْ فَاشْفُقْ عَلَيْهِ وَمَنْ وَلِيَ مِنْ أَمْرِ أُمَّتِي سَيِّئًا فَأَرْفَقْ بِهِمْ فَأَرْفُقْ بِهِ»^۳.

۱- شعب الإيمان، بیهقی (ح ۱۰۶۰۴) أخرجه المسلم في الصحيح.

۲- صحيح ابن حبان ثلاثة يدخلون الجنة من هذه الأمة (ح ۷۵۷۶).

۳- صحيح مسلم، حديث شماره: ۳۴۰۷ باب فضلية الإمام العادل.

«پروردگارا، هر کس مسؤولیتی از امتم را عهده‌دار شد و بر مردم سخت گرفت و مردم را در فشار قرار داد تو هم بر او سخت گیر و اگر کسی که کار امت مرا بر عهده گرفته با نرم‌خویی با آن‌ها رفتار کرد تو هم با او به نرمی و عطف رفتار کن.»

عائذ بن عمرو رضی الله عنه می‌گوید: که بر عبیدالله بن زیاد وارد شدم و به او گفتم: پسر، من از پیامبر خدا شنیدم که می‌فرمود:

«إِنَّ شَرَّ الرَّعَاءِ الْخَطْمَةُ فَإِيَّاكَ أَنْ تَكُونَ مِنْهُمْ»^۱.

«بدترین حاکمان حاکم ستمگر بی‌رحم و سخت‌گیر است، پس مبادا تو جزو آنان باشی.»

ابی مریم ازدی خطاب به معاویه رضی الله عنه گفت: از پیامبر خدا شنیدم که می‌فرمود:

«مَنْ وُلَّاهُ اللَّهُ شَيْئًا مِنْ أُمُورِ الْمُسْلِمِينَ، فَاحْتَجَبَ دُونَ حَاجَتِهِمْ وَخَلَّتِهِمْ وَفَقَّرِهِمْ، احْتَجَبَ اللَّهُ دُونَ حَاجَتِهِ وَخَلَّتِهِ وَفَقَّرَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ»^۲.

«کسی که خداوند مسؤولیتی از امور مسلمانان را به عهده‌اش گذارد و او به نیازمندی، کمبود و تنگدستی مسلمانان رسیدگی نکند، خداوند نیز به نیازمندی، کمبود و تنگ‌دستی وی در روز قیامت رسیدگی نمی‌کند.»

به راستی ابوبکر صدیق رضی الله عنه حقیقت مسؤولیت را خوب فهمیده بود، هنگامی که امور مسلمانان را بر عهده گرفت و خلیفه‌ی مسلمین شد بر منبر بالا رفت و فرمود: «من حاکم (سرپرست) شما شدم ولی از شما بهتر نیستم، قرآن نازل شده و پیامبر سنت‌هایی بر جای گذاشته و به ما آموخته است، بدانید ظریف‌ترین دانیان فرد باتقواست، نادان‌ترین نادانان گناهکار

۱- مسلم (ح ۳۴۱۱) باب فضلیة الإمام العادل و عقوبة الجائر.

۲- سنن ابوداود (ح ۲۵۵۹) باب فی ما یلزم الإمام من أمر الرعیة

است، ضعیف‌ترین شما نزد من قوی است تا حق او را برای او بگیرم، و قوی‌ترین شما نزد من ضعیف و ناتوان است تا حق را از او بگیرم. ای مردم، من فقط پیرو هستم و مبتدع (بدعت‌پیشه) نیستم^۱، لذا اگر نیکی کردم مرا یاری دهید و اگر کج شدم مرا راست کنید».

روایات متواتری وجود دارد که ابوبکر صدیق رضی الله عنه وصیت کرد که بعد از انتهای مدت خلافتش اموال اضافی‌اش را به خلیفه‌ی بعد از او تحویل دهند، ولی بعد از او اگر هم چیزی یافت شده بود قیمت همه‌ی آن‌ها چند درهم بیش‌تر نبود که به عمر فاروق رضی الله عنه تحویل داده شد، آن‌گاه عمر گفت: «خداوند ابوبکر را مورد رحمت قرار دهد به راستی کسی را که بعد از وی آمده در سختی انداخته است».

اما توجه عمر فاروق رضی الله عنه به امور مسلمانان و احساس مسؤولیت در قبال آن‌ها و بی‌رغبتی وی به دنیا تا اندازه‌ای بود که روزی گاهی از زمین برداشت و گفت: «کاش من این علف (کاه) بودم، کاش من چیزی نمی‌بودم، کاش مادرم مرا متولد نمی‌کرد». [این حال کسی است که مسؤولیت را سنگین می‌بیند و ترس آن دارد که نتواند آن طور که خدا را خشنود کند عمل کند].

قبل از مرگش فرمود: اگر ان‌شاء الله زنده بمانم به خاطر خدا یک سال در میان مردم می‌گردم و به بررسی احوال آن‌ها می‌پردازم، زیرا می‌دانم که مردم نیازهایی دارند که از آن‌ها بی‌اطلاع هستم، نه کارگزارانم مرا در جریان امر قرار می‌دهند و نه خود مردم، پس به شام می‌روم و دو ماه در آن جا می‌مانم، دو ماه در کوفه، دو ماه در بصره و ... به خدا که این بهترین سال من خواهد بود».

۱- مطابق سنت رسول خدا صلی الله علیه و آله و بدون کم و زیاد عمل می‌کنم. (مترجم)

از مواردی که اهمیت احساس مسئولیت را نزد عمر نشان می‌دهد این است که فرمود: «محموله (باری) که در رودخانه‌ی فرات از بین می‌رود، می‌ترسم خداوند درباره‌ی آن از من سؤال کند».

وقتی از عمر پرسیدند: از اموال بیت‌المال چه چیزی برای او حلال است؟ گفت: دو جامه (پیراهن) برایم حلال است: یکی برای زمستان دیگری برای تابستان، مرکبی برای حج و عمره، خرجی خود و خانواده‌ام، همانند خرجی مرد متوسطی از قریش، نه مانند ثروتمندترینشان و نه مانند فقیرترینشان، پس از این من مردی از مسلمانانم که هرچه به آنان می‌رسد به من هم می‌رسد».

او لباسی پینه شده می‌پوشید و بسیاری اوقات در حالی که خلیفه و حاکم بود با این لباس‌ها دیده شده است.^۱

خوراک وی نان خشک، همراه روغن یا کره و یا شیر بود. در خشک‌سالی و قحطی، با این که کره با سلامتی وی سازگار نبود تحمل می‌کرد و به سراغ خوراک بهتری نرفت تا این که خشک‌سالی از بین رفت.

هر کاری را که انجام می‌داد و یا نمی‌داد فقط به خاطر ترس از خدای والا مرتبه و بازخواست او بود.

نمونه‌ی دیگر از حاکمان مسئولیت شناس، خلیفه‌ی راشد، عمر بن عبدالعزیز[ؓ] است. هنگامی که به عنوان خلیفه انتخاب شد همه‌ی دارایی خود را حتی زیورآلات همسرش را به بیت‌المال سپرد.

عطا بن ابی رباح از فاطمه همسر عمر بن عبدالعزیز نقل می‌کند که فاطمه بر عمر بن عبدالعزیز وارد شد در حالی که در عبادت‌گاه خود نشسته

۱- علیط می‌فرماید: پیراهن عمر بن الخطاب[ؓ] را دیدم که ۲۱ وصله‌ی پوستی و پارچه‌ای داشت.

و اشک بر محاسن او جاری بود. فاطمه پرسید: ای امیرالمؤمنین، اتفاقی افتاده است؟ جواب داد: «ای فاطمه، کلیه‌ی کارهای امت اسلام به عهده‌ی من گذاشته شده است، لذا به فقیر گرسنه، بیمار تلف شده، برهنه‌ی تلاش‌گر به زحمت افتاده، ستم‌دیده‌ی از پا درآمده، غریب دریند، پیرمرد مسن، عیال‌وار کم درآمد و یا افراد دیگری مانند آن‌ها در سراسر زمین فکر کردم و می‌دانم که خداوند در روز قیامت درباره‌ی همه‌ی آن‌ها از من می‌پرسد، ترسیدم که حجتی نداشته باشم، به همین خاطر گریه کردم».

محمد مروزی می‌گوید: هنگامی که عمر بن عبدالعزیز خلافت را بر عهده گرفت رئیس پلیس آمد که بر حسب عادت خلفای قبلی با سرنیزه جلو وی حرکت کند. عمر گفت: از من کناره بگیر، من همچون مردی از مسلمانانم. سپس در میان مردم حرکت کرد تا به مسجد وارد شد. خطبه‌اش که تمام شد از منبر پایین آمد، مرکبی برایش آوردند، گفت: این برای چیست؟ گفتند: مرکب مخصوص خلافت است. گفت: هیچ نیازی به آن ندارم، چهارپای خودم را بیاورید. چهارپایش را آوردند، بر آن سوار شد و به خانه‌اش رفت. وقتی به خانه رسید درخواست کرد برایش قلم و کاغذ بیاورند و با داستان خود به مناطق تحت قلمروش نامه نوشت. محمد مروزی در ادامه می‌گوید: فکر می‌کردم که توان ندارد اما هنگامی که هنرش را در نوشتن دیدم فهمیدم که توانمند است.

روزی مردی به او گفت: ای امیرالمؤمنین، خداوند به تو نعمت داده، پس چه خوب است که لباس‌های خوب بپوشی. عمر کمی سرش را پایین آورد، اندیشید و آن‌گاه سرش را بلند کرد و گفت: بهترین میانه‌روی در وقت توانگری است و بهترین گذشت در وقت توانایی است.

شیخ الاسلام ابن تیمیه در کتابش «السیاسة الشرعية» ذکر کرده است: ابومسلم خولانی بر معاویه بن ابی سفیان رضی الله عنه وارد شد و گفت: السلام عليك أيها الأجير، اطرافیان گفتند: بگو امیر. معاویه گفت: ابومسلم را آزاد بگذارید، او به آن چه می گوید آگاه تر است. سپس ابومسلم گفت: در حقیقت تو اجیر هستی، صاحب این گوسفندان تو را به اجرت گرفته تا از آن ها نگه داری کنی، تو اگر به گوسفندان گر قطران بزنی و بیمارانشان را درمانی کنی و گری ها را از بیمارانشان جداسازی، صاحب گوسفندان اجرت را کاملاً خواهد داد، و اگر این کارها را نکنی صاحبش تو را مجازات خواهد کرد.

ابن تیمیه رحمته الله در ادامه می گوید: حاکمان وکلای مردم اند که بر آن ها حکومت می کنند و مفهوم ولایت و نیابت از خود انتخاب کند و امور تجاری، زمین و املاک را در اختیار او بگذارد و در مقابل این مرد کالاهای گران بها را به بهای ناچیزی بفروشد در حالی که خریدار بهتری برای این کالاها یافت شود این مرد به صاحب خود خیانت کرده است. مخصوصاً اگر این کار میان دو فردی باشد که همدیگر را دوست داشته و محبت و نزدیکی میان آن ها بوده باشد، صاحب زمین و تجارت از او عصبانی می شود و نکوهشش می کند و متوجه می شود که فرد نزدیک به او به وی خیانت کرده است.

بنابراین حاکم در پیشگاه خداوند مسئولیت خیر و شر ملت را به عهده دارد و مسئولیت ایفای حقوق آن ها را دارد و نیز مسؤول امنیت و سلامتی و محافظت از آنان در برابر دشمنانشان و جلوگیری از تجاوز به آن ها می باشد و مکلف است که در میان ملت به عدالت رفتار کند، هرگز بر کسی ستم روا ندارد و به فرد یا گروه خاص گرایش پیدا نکند. «و مردم مانند دندانهای شانه نزد او برابرند» و در اجرای قوانین و تطبیق شریعت در میان آنان و نیز در بخشش و هدایا هیچ فرقی میان آنان نیست.

حقوقی که ملت بر حکومت دارد به طور مختصر به شرح زیر است:

الف) امور مثبت:

نخست و پیش از هر چیز حکومت مسؤول برپایی قوانین الهی در میان ملت است، که این با اجرای موازین شرعی، و اجرای بایدها و نبایدها براساس قرآن و سنت صورت می‌گیرد.

۱. امیر مسلمانها اعضای شورا و مشاوران خود را از میان کسانی انتخاب کند که از خدا می‌ترسند، مشاورانی که در مورد هر گناه کوچک و بزرگی خداوند را بر خود مراقب می‌دانند و مرتکب گناه نمی‌شوند. کسانی که او را در اجرای حق یاری دهند و او را از ناحق دور نمایند. وزیران، کسانی که مسؤولیت مهم کشوری و لشکری به آنان واگذار می‌شود، را از میان کسانی برگزیند که به خوبی از خدا می‌ترسند، زیرا مردم در دست امام امانت هستند، لذا واجب است آنها را به امانتدار بسپارد تا در حق آنها خیانت روا ندارد و امام باید بداند که در کم کاری و سهل انگاری وزیران و مدیران ادارهها در مسؤولیت‌شان و نیز در رعایت حقوق مردم در پیشگاه خداوند بازخواست می‌شود.

۲. فراهم کردن امنیت داخلی: مردان کارآزموده و مخلصی را مسؤول امنیت نماید که از مصالح و منافع بندگان پاسداری می‌کنند و برای راحتی مردم از هیچ زحمت و بی‌خوابی و دشواری دریغ نورزند و به مصالح زندگی مردم خدمت می‌کنند.

همچنین حکومت موظف است ارتشی مقتدر و نیرومند به وجود آورد تا از مرزهای حکومت اسلامی پاسداری و از حمله‌ی دشمن جلوگیری نماید. خداوند بلندمرتبه می‌فرماید:

﴿وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهَبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ﴾ [الأنفال: ۶۰].

«برای (مبارزه با) آنان تا آن جا که می‌توانید نیروی (مادی و معنوی) از جمله اسب‌های ورزیده آمده سازید تا به وسیله‌ی آن دشمن خدا و دشمن خویش را بترسانید».

این قدرت و قوت، باید هماهنگ با زمان و مکان باشد (ابزار و آلات جنگی و تاکتیک‌های رزمی به روز باشد).

۳. لازم است حکومت در زمینه‌ی توسعه‌ی وضعیت اقتصادی جامعه طوری عمل کند که برای عموم مردم فرصت کار و کسب فراهم شود و با گشودن زمین‌های مختلف اشتغال و هموارکردن صادرات واردات و در امر تجارت، سختی‌ها و ناهمواری‌ها در مسیر کسب و کار و درآمد عمومی امور مردم را سازماندهی نماید.

۴. حکومت موظف است در صورت امکان بهداشت جامعه را بهبود بخشد، دارو و درمان موردنیاز مردم را فراهم کند.

۵. حکومت باید بستر مناسب برای آموزش در زمینه‌های مختلف به ویژه آموزش علوم دینی فراهم کند، زیرا علوم اسلامی پایه‌ی همه‌ی علوم است، و پس از فراگیری علوم اسلامی نوبت به آموزش‌های دیگر مثل پزشکی / طب، مهندسی، کشاورزی و ... می‌رسد. با ساخت و گشایش مدارس و مراکز علمی آموزش را در همه‌ی مراحل برای همه‌ی اقشار جامعه رایگان سازد و دانش‌آموزان و دانشجویان را به فراگیری علم تشویق نماید.

حکومت باید امر آموزش را به آموزگاران و مربیانی از خود مردم بسپارد، نه به افراد بیگانه. کسانی را عهده‌دار تربیت و آموزش نماید که از تقوای لازم برخوردارند و از امانت علم و متعلمین محافظت می‌کنند، و نباید آموزگاران

و معلمان از میان کسانی که اندیشه‌ی آن‌ها ویرانگر اخلاق نیک است و از ایمان و ادب موردنیاز برخوردار نیستند گزینش کند. گزینش مربی و معلم در زندگی دانش‌آموز از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، و بدون رعایت این اصل دانش‌آموز را با اندیشه‌های ویرانگر وارداتی ضد اسلامی بیگانگان نابود کرده‌ایم که آن وقت دیگر پشیمانی فایده‌ای ندارد.

دانش‌آموز معلم خود را به مثابه‌ای آینه می‌داند و از او الگو می‌گیرد و بر اساس اندیشه و فکر او حرکت می‌کند و از او برنامه‌ی زندگی می‌گیرد. این راجع به معلم بود، قضیه‌ی دوم مربوط به تدوین‌کنندگان برنامه‌ی درسی است، کسانی که نظام آموزشی را تدوین می‌کنند آن‌ها الزاماً باید از تقوای الهی برخوردار باشند، تا بتوانند نظام آموزشی کارآمدی تدوین کنند و نه کسانی که دانسته یا ندانسته حق و باطل را در هم می‌آمیزند و نه غرب‌زدگان دین‌فروش که بدون توجه به اندیشه‌ی بزرگ اسلام بخواهند دست‌آوردهای غربی و منابع فکری آن‌ها را در جامعه‌ی اسلامی ترویج دهند که در این صورت نتیجه‌ی کار معکوس می‌شود و دانش‌آموزان در معرض خطر بزرگی قرار می‌گیرند.

ب) امور منفی

انتخاب عنوان منفی برای این امور به این دلیل است که زیانشان از سودشان بیشتر است و در همه‌ی کشورهای اسلامی کم و بیش هست، یعنی ساخت و ساز و در همان وقت ویران کردن آن شری است که چاره‌ای از آن نیست.

الف: رسانه‌های خبری مثل رادیو، تلویزیون، اینترنت ... امروز از جمله وسایل دو لبه‌ای است که هم در خوبی به کار گرفته می‌شود و هم در بدی. مسؤولیت خیر و شر این رسانه‌ها به عهده‌ی حکومت اسلامی است. حکومت موظف است اداره‌کنندگان این رسانه‌ها را راهنمایی کند تا آن‌ها را در

خدمت دین قرار دهند و برای رساندن دین مبین اسلام به سراسر دنیا از آن‌ها بهره بگیرند، همچنین در خدمت جامعه و وسیله‌ای برای نشر فضیلت باشد، و از رذیلت و آنچه باعث نابودی دین و اخلاق و ارزش‌های والای انسانی جامعه است به دور باشد. حکومت اسلامی هرگز اجازه ندهد این وسایل ابزاری برای نابودی دین و انتشار بی‌بند و باری و پستی و رذیلت در میان مردم باشد. باید کسانی را بر این رسانه‌ها بگمارد که ترس از خدا دارند و در همه‌ی موارد ریز و درشت خود را مسؤول و جواب‌گو می‌دانند، زیرا در غیر این صورت در قیامت در پیشگاه خداوند بلندمرتبه باید پاسخگو باشند و در آن جا مجازات خواهند شد.

ب: کتاب‌های گمراه‌کننده و مجله‌های مبتذل در ترویج فساد و گمراهی و اشاعه‌ی فحشا همانند رادیو، تلویزیون و اینترنت است، لذا حاکم اسلامی باید کسانی را ناظر بر کار چاپ و نشر آن کند که به آن‌ها اعتماد دارد، اگر چنین نکند در پیشگاه خدای عزّ و جل مسؤول است و باید پاسخ‌گو باشد.

آنچه بیان شد از مسؤولیت‌های حکومت بود، نخست‌وزیر و وزیران نیز هر کدام به نوبت خود مسؤول کاریست که به عهده‌اش گذاشته شده و در قبال زیردستان خود و در اموال عمومی که در اختیار آن‌هاست و همچنین حقوق مردم مسؤولیت دارند. همچنین رؤسای اداره‌ها، دادستان، مدیر دانشگاه/ پوهنتون، مدیر مدرسه، همگی در قبال امانت‌هایی که به آن‌ها واگذار شده مسؤولیت دارند و در صورت کم‌کاری بازخواست خواهند شد. زیرا حدیث: «كُلُّكُمْ رَاعٍ، وَمَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ». شامل همه‌ی این موارد می‌شود.

مسئولیت مرد در خانه‌اش

- ۱- مسئولیت مرد نسبت به پدر و مادر
- ۲- مسئولیت مرد نسبت به فرزندان
- ۳- مسئولیت مرد نسبت به همسر
- ۴- مسئولیت مرد نسبت به نزدیکان و خویشاوندان
- ۵- مسئولیت مرد نسبت به خدمتکاران

مسئول دوم: مرد در خانواده‌اش

وقتی حاکم مسئول کل جامعه است و وزیر مسئول جامعه‌ای کوچک‌تر و مدیر کل مسئول جامعه‌ای کوچک‌تر از آن، مرد هم صاحب خانه و مسئول اجتماع کوچکی است که بر آن نظارت دارد. جامعه‌ای که از پدر، مادر، فرزندان، همسر و خدمتکاران تشکیل شده است.

۱- مسئولیت نسبت به پدر و مادر

هنگامی که پدر و مادر پیر شدند و پا به سن گذاشتند و از اداره‌ی امور مربوط به زندگی خود ناتوان شدند، فرزند موظف است عنایت کامل به آن‌ها داشته باشد، و اگر نیازمند باشند باید هزینه‌ی زندگی آن‌ها را تأمین کند و مرد موظف است از پدر و مادرش در سختی و آسانی حرف‌شنوی و فرمان‌بری داشته باشد و به آن‌ها احترام گذارد و حتی به آن‌ها «اف»^۱ نگوید و نسبت به آن‌ها پرخاش نکند. خداوند بلندمرتبه می‌فرماید:

﴿إِذَا مَا يَبُلُغَنَّ عِنْدَكَ الْكِبَرَ أَحَدُهُمَا أَوْ كِلَاهُمَا فَلَا تَقُلْ لَهُمَا أُفٍ وَلَا تَنْهَرْهُمَا وَقُلْ لَهُمَا قَوْلًا كَرِيمًا ﴿٢٣﴾ وَأَخْفِضْ لَهُمَا جَنَاحَ الذَّلِيلِ مِنَ الرَّحْمَةِ وَقُلْ رَبِّ ارْحَمْهُمَا كَمَا رَبَّيَانِي صَغِيرًا ﴿٢٤﴾﴾ [الإسراء: ۲۳-۲۴].

«هر گاه یکی از آن دو، و یا هر دوی ایشان نزد تو به پیری رسیدند به آن‌ها (حتی) اف مگو و به آنان پرخاش مکن و به آنان سخنی محترمانه بگو، و از روی

۱- منظور کم‌ترین کلمه یا حالاتی که مایه‌ی ناراحتی پدر و مادر شود. (مترجم)

مهربانی بال فروتنی بر آنان بگستران و بگو: پروردگارا آن دو را رحمت کن چنان که مرا در خردی، تربیت نمودند».

حقوق پدر و مادر ساقط نمی شود اگرچه مسلمان نباشند، زیرا خداوند بلندمرتبه فرموده اند:

﴿وَإِنْ جَاهِدَاكَ عَلَىٰ أَنْ تُشْرِكَ بِي مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ فَلَا تُطِعْهُمَا ۗ وَصَاحِبُهُمَا فِي الدُّنْيَا مَعْرُوفًا﴾ [لقمان: ۱۵].

«هرگاه آن دو تلاش کنند که چیزی را شریک من قرار دهی که تو را بدان دانشی نیست از آنان فرمان مبر، و در دنیا به خوبی با آنان رفتار کن».

۲- مسئولیت نسبت به فرزندان خردسال

پیش از هر چیزی باید هزینه‌ی زندگی فرزندان را به طور کامل تأمین کند و در حد توان و با توجه به درآمد ماهیانه‌اش در خوراک و لباس و مسکن آن‌ها کوتاهی نکند. به همه‌ی آنان به طور مساوی مهربان باشد، و نیز او مسئولیت آموزش علوم سودمند به آنان را به عهده دارد، به ویژه علوم دینی که سرلوحه‌ی هر علمی است.

پدر مسئول است فرزندان خود را در مسیر درست زندگی راهنمایی نماید و آنان را بر اساس اندیشه‌ی اسلامی تربیت کند، بر نمازهای پنجگانه و روزه‌ی آنان نظارت داشته باشد و آنان را بر اساس علاقه به نیکوکاری و دور نمودن آنان از پستی و پرهیز از آن چه باعث نابودی ایمان و اخلاق می شود بزرگ کند، و برای تشخیص خوب از بد امور سودمند و زیان آور را به آنان بیاموزد، راه درست و راست را به ایشان نشان دهد تا در آن مسیر درست حرکت کنند و راه‌های ویرانگر اخلاق را برایشان معلوم دارد تا از ورود به آن‌ها پرهیز کنند.

پدر باید از آغاز خردسالی فرزندانش را بر مسایل یاد شده تربیت کند تا بر این شیوه عادت کنند و بزرگ شوند. پیامبر ﷺ می‌فرماید:

«مُرُوا أَوْلَادَكُمْ بِالصَّلَاةِ، وَهُمْ أَبْنَاءُ سِنِينَ، وَأَضْرِبُوهُمْ عَلَيْهَا وَهُمْ أَبْنَاءُ عَشْرِ»^۱.

«فرزندانتان را از هفت سالگی به نماز خواندن فرمان دهید و در ده سالگی به خاطر نخواندن نماز آن‌ها را بزنید».

و باز می‌فرماید:

«لَأَنْ يُؤَدَّبَ الرَّجُلُ وَلَدَهُ خَيْرٌ مِنْ أَنْ يَتَصَدَّقَ بِصَاعٍ»^۲.

«اگر مرد فرزندش را نیکو تربیت کند بهتر از آن است که یک پیمانه در راه خدا به مستمند کمک کند».

در حدیثی دیگر می‌فرماید:

«مَا نَحَلَ وَالِدٌ وَلَدَهُ مِنْ نُحْلٍ أَفْضَلَ مِنْ أَدَبٍ حَسَنِ»^۳.

«هیچ پدری هدیه‌ای بهتر از ادب خوب به فرزندش عطا نکرده است».

پدر باید فرزندان را از هم‌نشینی با انسان‌های بد و راه رفتن و ارتباط داشتن با آن‌ها دور کند و آن‌ها را از این کار برحذر دارد. شاعر می‌گوید:

لا تسأل عن المرء وسل عن جلسه فكل جلس بالمجالس يقتدى

«از وضعیت خود شخص پرس بلکه از هم‌نشینانش پرس، زیرا تمامی افراد از همراهان و هم‌نشینان خود پیروی می‌کنند».

شکی نیست که هم‌نشین و همراه تأثیر زیادی بر روان و رفتار فرد دارد.

۱- روایت احمد، ابو داود و حاکم.

۲- روایت مسلم، سنن ترمذی، ح ۱۸۷۴ باب ما جاء في أدب الولد.

۳- روایت مسلم و ابو داوود.

و چه نیکو و درست فرموده رسول خدا ﷺ:

«مَثَلُ الْجَلِيسِ الصَّالِحِ وَالْجَلِيسِ السَّوِّءِ كَمَثَلِ صَاحِبِ الْمِسْكِ، وَكَبِيرِ الْحَدَادِ، لَا يَعْدُمُكَ مِنْ صَاحِبِ الْمِسْكِ إِلَّا مَا تَشْتَرِيهِ، أَوْ تَحْدُ رِيحُهُ، وَكَبِيرُ الْحَدَادِ يُجْرِقُ بَدَنَكَ أَوْ تَوْبَكَ أَوْ تَحْدُ مِنْهُ رِيحًا خَبِيثَةً»^۱.

«حکایت همنشین درست کار و همنشین بدکار مانند دارنده‌ی مشک و دمه‌ی آهنگری است، دارنده‌ی مشک چیزی از تو نمی‌کاهد یا از او خرید می‌کنی و یا که بویش را استشمام می‌کنی، ولی دمه‌ی آهنگری بدن یا لباس را می‌سوزاند و یا از آن بوی بد به مشامت می‌رسد».

پدر باید مخصوصاً به دختران بیش‌تر توجه کند، آنان را بر اساس فضایل اخلاقی تربیت کند و مسیر منتهی به انحراف و پستی را برای آنان روشن سازد، زیرا دختر در آینده مادر می‌شود و نسل‌های بعدی را تربیت می‌کند، پس باید به آن‌ها خوب توجه کند مبادا در سرایشی و پرتگاه سقوط قرار گیرند. پیامبر ﷺ می‌فرماید:

«مَنْ عَالَ ثَلَاثَ بَنَاتٍ فَأَدَّبَهُنَّ وَرَزَجَهُنَّ وَأَحْسَنَ إِلَيْهِنَّ فَلَهُ الْجَنَّةُ»^۲.

«هر کس سه دختر را سرپرستی کند و آن‌ها را خوب تربیت نماید، به شوهر دهد و به آن‌ها نیکی نماید به بهشت وارد می‌شود»^۳.

و فرموده است: «مَنْ عَالَ ثَلَاثَ بَنَاتٍ وَجَبَتْ لَهُ الْجَنَّةُ، قِيلَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ!

وَإِثْنَتَيْنِ؟ قَالَ: وَإِثْنَتَيْنِ قِيلَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ وَوَاحِدَةً؟ قَالَ: وَوَاحِدَةً»^۴.

۱- روایت بخاری.

۲- روایت ابوداود، حدیث: ۵۱۴۷ باب فی فضل من عال یتیمًا، ترمذی: ۱۹۹۴.

۳- این حدیث را ابو داود روایت کرده است.

۴- روایت ابو داوود.

«هر که سه دختر را سرپرستی کند، بهشت برایش واجب می شود». گفته شد: ای رسول خدا، و دو تا هم؟ فرمود: «و دو تا». گفته شد: ای رسول خدا، یکی هم؟ فرمود: «یکی نیز چنین است».

جوانی، بی نیازی، فراغت، که وجود این سه چیز در یک فرد می تواند سرانجام بدی برای او داشته باشد. شاعر می گوید:

إن الشباب والفراغ والجدّة مفسدة للمرء أي مفسدة

«جوانی، فراغت و پول داری، برای شخص بزرگترین تباہ گری است». این در حالتی که انسان بالغ باشد، حال چه رسد به انسانی که هنوز عقلش پخته نشده که ضرورت مراقبت بر وی بیش تر است. خداوند بلندمرتبه می فرماید:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا قُوا أَنفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا﴾ [التحریم: ۶].

«ای کسانی که ایمان آورده اید خود و خانواده تان را از آتش حفظ کنید».

۳- مسئولیت مرد نسبت به همسر

مرد باید هزینه ی زندگی زن را به خوبی تأمین کند و در حد توان از اعطای حقوق زن کوتاهی نکند و به نیکی با او معاشرت کند، چون که خداوند بلندمرتبه می فرماید:

﴿وَعَايِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ﴾ [النساء: ۱۹].

«و به نیکی با آن ها معاشرت کنید».

مردی که چند همسر دارد باید میان همسر و هوویش در تهیه ی لباس و خوابیدن در شب و هزینه ی زندگی عدالت برقرار کند، ظرفیت داشته باشد و مشکلات ناشی از آن ها را تحمل کند. مسایل مربوط به دین را به همسر خود

بیاموزد. او مسئول حجاب و پوشش همسرش، به ویژه در وقت بیرون رفتن از خانه می‌باشد. جابر رضی الله عنه از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت می‌کند که می‌فرماید:

«إِنَّ الْمَرْأَةَ تُثْقِلُ فِي صُورَةِ شَيْطَانٍ وَتُدْبِرُ فِي صُورَةِ شَيْطَانٍ فَإِذَا أَبْصَرَ أَحَدَكُمْ امْرَأَةً فَلْيَاتِ أَهْلَهُ فَإِنَّ ذَلِكَ يَرُدُّ مَا فِي نَفْسِهِ»^۱.

«زن به شکل شیطان روی می‌آورد و به شکل شیطان پشت می‌کند، هرگاه یکی از شما زنی را دید که در دلش اثر گذاشت و از او خوشش آمد، پیش همسر خود رود، زیرا بدین وسیله آنچه در دل دارد دفع می‌کند و بدین وسیله از وسوسه‌ی شیطان حفظ می‌شود».

از ابن مسعود روایت شده که پیامبر صلی الله علیه و آله فرموده است:

«الْمَرْأَةُ عَوْرَةٌ فَإِذَا حَرَجَتْ اسْتَشْرَفَهَا الشَّيْطَانُ»^۲.

«زن عورت است، هرگاه از خانه خارج شود شیطان دیگران را به نگاه کردن به او وا می‌دارد».

شیطان این زن را در معرض نگاه مردان زیبا جلوه می‌دهد، شیطان او را گمراه می‌کند و دیگران هم به وسیله‌ی او گمراه می‌شوند، یعنی پسندیده نیست که زن بدون ضرورت از خانه خارج شود، زیرا می‌تواند عواقب ناگواری در پی داشته باشد.

مرد نسبت به نحوه‌ی رفتار معاشرت همسرش با زنان دیگر و نیز با مردان در محل کار و جاهای دیگر مسئولیت دارد.

۱- روایت مسلم (ح: ۲۴۹۱)، ابو داوود، احمد، بیهقی.

۲- ترمذی و طبرانی در (کبیر) آن روایت کرده‌اند و طبرانی افزوده است: «وإنها أقرب ما تكون إلى الله وهي في قعر بيتها». «نزدیک‌ترین حالت زن به الله، بودنش در ته خانه‌اش است». اسنادش صحیح است. [البته در فهم این حدیث لازم است شرایط زمان و مکان و ضرورت و ایفای نقش مثبت زن در جامعه را در نظر داشت].

لازم است که مرد در مکارم اخلاق نمونه و برای فرزندان و همسرش لگو باشد. از امور حرام مثل خوردن مال حرام، گوش دادن به موسیقی‌های نامشروع، و نگاه به فیلم‌های زننده، و نیز از بیدارماندن در شب برای این‌گونه مجالس پرهیز کند.

شاعری در این باره گوید:

إذا كان رب البيت بالدف ضارباً فشيمة أهل البيت كلهم الرقص
 «اگر مرد خانه دف‌زن باشد، اعضای خانواده رقص خواهند بود».

۴- مسئولیت مرد نسبت به خویشاوندان

مرد نسبت به حقوق بستگان و خویشان خود همچون برادر، خواهر، عمه، عمو، دایی / ماما، خاله و فرزندان‌شان مسؤول است. در صورت نیاز با کمک‌های مادی خود به آن‌ها رابطه‌ی خویشاوندی و صله‌ی رحم را نگاه دارد. و در صورت سهل‌انگاری در این امر مهم در پیشگاه خدا مسئول خواهد بود، خداوند بلندمرتبه می‌فرماید:

﴿وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي تَسَاءَلُونَ بِهِ وَالْأَرْحَامَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَيْكُمْ رَقِيبًا﴾
 [النساء: ۱].

«و از خدایی که به (نام) او از همدیگر درخواست می‌کنید و از (گسستن) پیوند خویشاوندی پروا بدارید».

﴿وَعَاتٍ ذَا الْقُرْبَىٰ حَقُّهُ وَالْمَسْكِينِ وَالسَّبِيلِ وَلَا تُبْدِرْ تَبْدِيرًا﴾
 [الإسراء: ۲۶].

«حق خویشاوند و فقیر و مسافر را ادا کن».

در حدیث آمده است:

«الرحم معلقة بلعرش تقول: من وصلني وصله الله ومن قطعني قطعه الله»^۱.

«خویشاوندی به عرش خدا آویخته است و گوید: هر که مرا پیوند دهد خدا با او پیوند دارد و هر که مرا ببر خداوند از او ببرد».

همچنین در حدیث آمده است:

«ليس الواصل بالمكافي ولكن الواصل الذي إذا قطعت رحمه وصلها»^۲.

«واصل (کسی که رابطه‌ی خویشاوندی را پیوسته دارد) آن نیست که با شخصی که با وی صله‌ی رحم انجام داده است، صله‌ی رحم به جا آورد و تلافی کند، بلکه واصل کسی است که با شخصی که پیوند خویشاوندی را بریده و با او صله‌ی رحم انجام نمی‌دهد ارتباط برقرار کند و صله‌ی رحم را با او به جای آورد».

۵- نسبت به خدمتکار خانه:

مسئولیت مرد نسبت به خدمتکار خانه از این قرار است:

- ۱- هزینه زندگی روزمره‌اش تأمین کند.
 - ۲- پرداخت حقوق تعیین شده در مقابل کاری که انجام می‌دهد.
 - ۳- بیش‌تر از توانائیش از او کار نکشد.
 - ۴- در خوراک و لباس و جای استراحت او سهل‌انگاری نکند.
- در همه‌ی این موارد مسئولیت دارد و باید به وظیفه‌ی شرعی خویش عمل کند.

۱- روایت بخاری و مسلم و نسایی، امام مسلم (ح ۴۶۳۵)

۲- بخاری، ابوداود و نسایی آن را روایت کرده‌اند.

مسئولیت زن در خانه‌ی شوهرش

- ۱- ماندن در خانه.
- ۲- حقوق همسرش را رعایت کند.
- ۳- به تربیت فرزندان بپردازد.
- ۴- از اموال شوهرش محافظت نماید.
- ۵- هنگام خروج از خانه حجاب شرعی را رعایت کند.
- ۶- بدون اجازه‌ی شوهرش از خانه خارج نشود.
- ۷- در غیاب شوهرش پاکدامنی و کرامت خویش را حفظ کند.
- ۸- فردی که شوهرش دوست ندارد بدون اجازه به خانه راه ندهد.

مسئول سوم: مسئولیت زن در خانه‌ی شوهرش

مسئولیت زن در خانه را به صورت زیر مختصراً بیان می‌کنیم:

اول: نخستین مسئولیت زن این است که در خانه بماند تا بهتر بتواند وظایف خود را انجام دهد. وظایفی از قبیل تربیت فرزندان، انجام دادن امور خانه، وظایفی که در مقابل شوهر دارد و ... همه‌ی این کارها فقط با ماندن در خانه حاصل می‌شود. علاوه بر این‌ها ماندن زن در منزل سبب وقار، سنگینی، حشمت، کرامت و بزرگی وی است.

این سخن به معنای زندانی کردن زن در میان یک چهاردیواری نیست، زیرا زن می‌تواند برای به جا آوردن نمازهای پنج‌گانه به صورت جماعت یا نماز عید و نماز استسقا و زیارت نزدیکان و در صورت نیاز پرستاری بیماران و رفع نیازمندی‌های خود و نیز خرید وسایل مورد نیازش از قبیل، لباس و زینت‌آلات از خانه خارج شود اما نباید در این خصوص زیاده‌روی کند، زیرا اصل این است که زن در خانه بماند^۱.

دوم: حقوق شوهر را رعایت کند، هر گاه شوهر زن را به بستر فرا خواند اطاعت کند، خانه‌ی شوهر را کانون محبت و شادی گرداند، هرگز با زبانش شوهرش را نیازارد، از فرمان وی که نافرمانی خدا در آن نباشد اطاعت کند. رسول الله ﷺ می‌فرماید:

۱- ر. ک: به دو کتاب بنده: «آداب الزواج و المعاشرة» و «المرأة و مکاتبتها فی

«إِذَا صَلَّتِ الْمَرْأَةُ حَمْسَهَا وَصَامَتْ شَهْرَهَا وَحَفِظَتْ فَرْجَهَا وَأَطَاعَتْ زَوْجَهَا قِيلَ لَهَا ادْخُلِي الْجَنَّةَ مِنْ أَى أَبْوَابِ الْجَنَّةِ شِئْتَ»^۱.

«هرگاه زنی نمازهای پنج‌گانه‌اش را بخواند و ماه رمضان را روزه بگیرد و از شرم‌گاه خویش حفاظت کند و از شوهرش فرمان برد، به او گفته می‌شود وارد بهشت شو از هر دری از درهای آن که بخواهد».

سوم: مسئولیت تربیت فرزندان را به کامل‌ترین شیوه انجام دهد. تربیت کار آسانی نیست و هیچ‌کس به جز مادر نمی‌تواند این وظیفه‌ی سنگین را به جا آورد، این مادر است که خداوند عطوفت، مهربانی، توانایی پاسخ به نیازمندی‌ها، صبر در برابر آزار بچه، و تحمل دشواری‌های تربیت شایسته را در نهادش گذاشته است، هر کس جز این را بگوید با فطرت، مخالفت کرده و حق را نگفته است.

چهارم: زن باید از اموال شوهرش محافظت نماید، و در راه درست از آن استفاده کند، استفاده‌ای جز برای نیازمندی‌های خانه مثل خوراک، پوشاک، برای خود و فرزندان و همسرش نداشته باشد، در استفاده از اموال نه زیاده‌روی کند و نه بخل بورزد، که در پیشگاه خدا جواب‌گو خواهد بود حتی اگر یک استکان چای و یک قاشق شکر هم بیهوده صرف شود مسئولیت دارد.

پنجم: زن حق ندارد بدون اجازه‌ی شوهرش و در غیاب او کسی را به خانه دعوت کند، خواه آن شخص آشنا و از خویشاوندان باشد یا ناآشنا و غریب.

ششم: بر عفت و کرامت خویش در غیاب همسرش محافظت کند و خود را در معرض بدگمانی و شک و شبهه قرار ندهد.

هفتم: جز با اجازه‌ی قبلی از همسرش از خانه خارج نشود.
 هشتم: هنگام خروج از خانه به رعایت حجاب شرعی پایبند باشد، زیرا در حجب زن عظمت، سنگینی و وقار وجود دارد و از اختلاط با مردان بیگانه بپرهیزد و از هر چیزی که باعث بدنامی و بی‌شخصیتی وی می‌شود دوری گزیند.

نهم: زن همچنین در مقابل خدمت‌کاران مسؤول است، در مقابل کارهای خوب و بد آن‌ها، در قبال اعطای حقوق آنان از قبیل خوردن، آشامیدن، لباس، استراحت و ... مسؤولیت دارد. اگر وظیفه‌ی خود را خوب انجام ندهد در روز قیامت باید پاسخ‌گو باشد. زن و مرد هر دو در این رابطه مسؤولیت دارند و هر کدام تکمیل‌کننده‌ی مسؤولیت دیگری است.

دهم: زن در رابطه با اختلاطش با راننده و خدمت‌کار داخل خانه و کارگران دیگر مسؤولیت دارد. باید از کرامت خود، دختر و کودکان داخل خانه حفاظت کند، گرچه مرد نیز مسؤولیت آن‌ها را به عهده دارد.

چیزی که امروزه رعایت تقوای الهی درباره‌ی آن کم شده است، این است که زنان و دختران، خدمتکار خانه یا راننده‌ی خود را مانند یکی از افراد خانواده مثل پدر، پسر، برادر و ... به شمار می‌آورند و در خیلی از موارد در این باره کوتاهی می‌کنند در حالی که این کار حرام است، زیرا پیامبر ﷺ می‌فرماید:

«لَا يَخْلُونَ أَحَدَكُمْ بِأَمْرٍ أَوْ فَإِنَّ الشَّيْطَانَ ثَالِثُهُمَا»^۱.

«هرگز کسی از شما با زنی خلوت نکند، زیرا شیطان سومین نفر آن‌هاست».

و می‌فرماید: «إِيَّاكُمْ وَالْدُّخُولَ عَلَى النِّسَاءِ».

۱- امام احمد، ترمذی، ابن حبان، حاکم و بیهقی آن را روایت کرده‌اند.

«شما را از وارد شدن بر زنان باز می‌دارم»، مردی از انصار گفت: یا رسول الله، درباره‌ی «حمو» (نزدیکان شوهر) چه می‌فرمایید؟ فرمود: «الحمو الموت»^۱. «حمو مرگ است».

«حمو» یعنی برادر شوهر و دیگر نزدیکان شوهر، مانند پسر عمو و از این رو زنان و دختران باید از این کار بپرهیزند و حتی پسران و دختران کم سن و سال را نیز از آن باز دارند، چرا که در نتیجه‌ی سهل‌انگاری، بی‌احتیاطی و بی‌مسئولیتی نسبت به این مسأله حوادثی رخ داده که در آن کودکان بی‌گناهی قربانی شده‌اند.

۱- احمد و بخاری آن را روایت کرده‌اند.

مسئولیت خدمتکار و کارگر

کسی که در خانه‌ی کارفرمایش کار می‌کند، در پیشگاه خدا مسؤول کلیه‌ی چیزهایی است که در اختیار دارد و نسبت به آن‌ها به او اعتماد شده و از آن‌ها پاسداری می‌کند، از قبیل آبروی خانواده، اموال و بچه‌های کوچک. او باید مسؤولیت خویش را به نحو احسن انجام دهد، در کارها مخلص و خیرخواه کارفرمایش باشد. احسان و نیکوکاری چنان‌که پیامبر ﷺ فرموده این است که خدا را طوری عبادت کنی که او را می‌بینی، و اگر تو خدا را نمی‌بینی مسلماً خدا تو را می‌بیند. و نیز این سخن ایشان که می‌فرماید:

«الدِّينُ النَّصِيحَةُ. قُلْنَا لِمَنْ؟ قَالَ: لِلَّهِ وَلِكِتَابِهِ وَلِرَسُولِهِ وَلِأُمَّةِ الْمُسْلِمِينَ وَعَامَّتِهِمْ»^۱.

«دین نصیحت است. گفتیم: ای رسول خدا! برای چه کسی؟ فرمود: برای خدا، کتاب خدا، پیامبر خدا، پیشوایان و عامه‌ی مسلمانان.»

اما مسؤولیت‌پذیری نسبت به کارگری که در خارج از خانه کارهایی به او واگذار شده بدین گونه است که او مسئول کار خودش است و موظف است کاری که به او سپرده شده به بهترین صورت ممکن و کامل‌ترین وجه انجام دهد. کار را به درستی و کامل انجام دهد و هرگز سهل‌انگاری نکند، زیرا در مقابل خداوند مسؤول است، پیامبرص می‌فرماید:

۱- صحیح مسلم (ح ۵۵)، ک: الإیمان، ب: بیان إن الدین النصیحة. سنن ابو داود (ح

۴۹۴۹)، ک: الأدب، ب: فی النصیحة. سنن نسائی (۱۵۶). سنن ترمذی (۱۹۲۶).

«إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ إِذَا عَمِلَ أَحَدُكُمْ عَمَلًا أَنْ يُتَّقِنَهُ»^۱.

«خداوند والامرتبه دوست دارد هرگاه یکی از شما کاری را انجام دهد، آن را به تمام و کمال و به درستی انجام دهد»، یعنی کارش را خوب انجام دهد، در کارش خیرخواه و دلسوز باشد، گویا که دارد آن کار را برای خودش انجام می‌دهد و در آن هیچ کوتاهی نرزد.

۱- روایت بیهقی در «شعب الإیمان». سیوطی آن را ضعیف می‌داند.

مسئولیت عالم نسبت به مردم

- ۱- آموزش به بی سواد و ناآگاه
- ۲- نصیحت به زمامدار با شیوه‌ای نیکو
- ۳- در انجام دادن کارهای نیک برای دیگران نمونه باشد.
- ۴- از شهرت طلبی و ریاکاری به دور باشد.
- ۵- امر به معروف و نهی از منکر.

مسئولیت عالم در مقابل دیگران

عالمی که نعمت علم به وی ارزانی شده اگر به وظیفه‌اش عمل نکند اولین کسی است که در روز قیامت از علمش بازخواست می‌شود. بر او واجب است که امور دین را به ناآگاهان آموزش دهد، حاکمان و مسئولان را نصیحت کند که وظیفه‌ی خود را در برابر مردم به نحو احسن انجام دهند و از ستمگری و استبداد پرهیز کنند، در کارهای نیک الگوی دیگران باشد، بر نماز جماعت محافظت کند، فروتن باشد و به علمش عمل کند، نمونه‌ای باشد که دیگران از وی تقلید کنند، الگوی نیکو باشد، از جاهای تردید، شک و شبهه دوری کند، به آنچه خداوند از مال حلال روزیش کرده قناعت کند، از علاقه و دل‌بستن به مادیاتی که بسیاری از مردم را به پرتگاه دوزخ کشانده پرهیزد. اگر عالم این موارد را خوب انجام دهد برای دیگران الگوی خوب، و در غیر این صورت الگوی بد خواهد بود.

بر او واجب است امر به معروف و نهی از منکر کند و در این باره نباید ملامت ملامت‌گران وی را از وظیفه‌ی شرعی‌اش باز دارد.

همچنین بر او واجب است علومی را که خداوند به او آموخته به مردم آموزش دهد و آن را در میان مردم منتشر کند، زیرا در مقابل همه‌ی آن علوم در پیشگاه خداوند مسؤول است، پیامبر ﷺ می‌فرماید:

«مَنْ طَلَبَ الْعِلْمَ لِيُجَارِيَ بِهِ الْعُلَمَاءَ أَوْ لِيُمَارِيَ بِهِ السُّفَهَاءَ أَوْ يَصْرِفَ بِهِ وُجُوهَ النَّاسِ إِلَيْهِ أَدْخَلَهُ اللَّهُ النَّارَ»^۱.

۱- سنن ترمذی (۲۶۵۹)، ترمذی گفته حدیث حسن و صحیح است.

«کسی که علم را به خاطر هم‌چشمی با علما و مجادله با نادانان بجوید خداوند او را به آتش جهنم می‌برد».

و باز می‌فرماید:

«مَنْ تَعَلَّمَ عِلْمًا مِمَّا يُبْتَغَى بِهِ وَجْهُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ لَا يَتَعَلَّمُهُ إِلَّا لِيُصِيبَ بِهِ عَرَضًا مِنَ الدُّنْيَا لَمْ يَجِدْ عَرَفَ الْجَنَّةَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ»^۱.

«کسی که تنها به خاطر آن که بهره‌ای از دنیا بیابد، علمی را که رضای الله در آن جست و جو می‌شود بیاموزد، در قیامت بوی بهشت را نیابد».

معاذ بن جبلط از پیامبر ﷺ نقل می‌کند که می‌فرماید:

«لَنْ تَرَوْا قَدَمًا عَبْدٍ يَوْمَ الْقِيَامَةِ حَتَّى يَسْأَلَ عَنْ أَرْبَعٍ: عَنْ عُمْرِهِ فِيمَا أَفْنَاهُ، وَعَنْ شَبَابِهِ فِيمَا أَبْلَاهُ، وَعَنْ مَالِهِ مِنْ أَيْنَ اكْتَسَبَهُ، وَفِيمَا أَنْفَقَهُ وَعَنْ عِلْمِهِ مَاذَا عَمِلَ بِهِ»^۲.

«در روز قیامت انسان هرگز گامی بر نخواهد داشت تا این که از چهار چیز سؤال شود: از عمرش در چه راهی آن را گذرانده و از جوانی‌اش که چگونه سپری کرده و از مالش که از کجا آن را به دست آورده و در چه راهی آن را خرج کرده است و از عملش که چه عملی با آن انجام داده‌است؟».

۱- امام احمد ابو داود و ابن ماجه روایت کرده‌اند.

۲- طبری به اسناد حسن و صحیح این حدیث را روایت کرده است و ترمذی شبیه این روایت را آورده است: (۲۴۱۹).

مسئولیت همسایه در برابر همسایه

- ۱- به او نیکی کند و او را احترام و ارج گذارد.
- ۲- به او بدی نکند.
- ۳- او را آزار ندهد.
- ۴- آزار او را تحمل کند.

مسئولیت همسایه در برابر همسایه

همسایه کسی است که در کنار خانه‌ی تو سکونت دارد، هر همسایه‌ای نسبت به همسایه‌اش موظف است که به او احترام گذارد و او را تکریم نماید، حقوقش را بپردازد، اگر به چیزی نیاز پیدا کرد به وی بدهد، به او نیکی کند و مانع از رسیدن آزار به او شود.

اول: نیکی کردن به همسایه

خداوند والامر تبه می فرماید:

﴿وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَبِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسْكِينِ وَالْجَارِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَالْجَارِ الْجُنُبِ وَالصَّاحِبِ بِالْجَنبِ﴾ [النساء: ۳۶].

«و به پدر و مادر و به خویشاوندان، یتیمان، درماندگان، بیچارگان، همسایگان خویشاوند و همسایگان بیگانه و همراهان (در سفر و حضر و همکاران) نیکی کنید».

پیامبر ﷺ می فرماید:

«مَا زَالَ جِبْرِيلُ يُوصِينِي بِالْجَارِ حَتَّى ظَنَنْتُ أَنَّهُ سَيُورُّهُ»^۱.

«جبرئیل همواره درباره‌ی همسایه به من سفارش می کرد که گمان کردم که او از همسایه‌ی خود ارث خواهد برد».

و می فرماید: «مَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ فَلْيُكْرِمْ جَارَهُ»^۲.

۱- متفق علیه (بخاری: ۶۰۱۴-۶۰۱۵)، (مسلم: ۲۶۲۴-۲۶۲۵)

۲- متفق علیه (بخاری ۲۵۶۶)، (مسلم ۱۰۳۰)

«کسی که به الله و روز قیامت ایمان کامل دارد باید همسایه‌اش را احترام گذارد».

از جمله مواردی که شامل نیکی کردن به همسایه می‌شود این است که به وی خیر و فایده برساند، زیرا پیامبر ﷺ می‌فرماید:

«يَا نِسَاءَ الْمُسْلِمَاتِ، لَا تَحْفَرْنَ جَارَةً لِجَارَتِهَا، وَلَوْ فَرَسَنَ شَاةٍ»^۱.

«ای زنان مسلمان، هیچ همسایه‌ای (هدیه‌ای) که به همسایه‌اش می‌دهد ناچیز نداند، گرچه استخوان بی‌گوشتی باشد».

و به ابودر می‌فرماید: «يَا أَبَا ذَرٍّ إِذَا طَبَخْتَ مَرَقَةً فَأَكْثِرْ مَاءَهَا وَتَعَاهَدُ جِيرَانَكَ»^۲.

«ای ابودر، هرگاه آبگوشتی پختی آبش را زیاد کن و همسایه‌هایت را در نظر داشته باش».

همسایه‌ای که دروازه‌ی خانه‌اش (به خانه‌ات) نزدیک‌تر باشد، به نیکی سزاوارتر است، زیرا عائشه رضی الله عنها از پیامبر ﷺ پرسید: من دو همسایه دارم، به کدام یک هدیه بدهم؟ پیامبر فرمود:

«إِلَى أَقْرَبِهِمَا أَبَا»^۳.

«به همسایه‌ای که در خانه‌اش نزدیک‌تر است».

دوم: همسایه را نیازاریم و به او بدی نکنیم

نباید کسی همسایه‌اش را با گفتار یا کردار یا با اشاره آزار دهد، پیامبر ﷺ می‌فرماید:

۱- فرسن: استخوان پای بز.

۲- صحیح مسلم: (۲۰۲۵/۴).

۳- صحیح بخاری: (۶۰۲۰).

«مَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ فَلَا يُؤْذِي جَارَهُ»^۱.

«کسی که به خدا و روز قیامت ایمان دارد همسایه‌اش را نمی‌آزارد».

و باز می‌فرماید:

«وَاللَّهِ لَا يُؤْمِنُ، وَاللَّهِ لَا يُؤْمِنُ. قِيلَ وَمَنْ يَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ: الَّذِي لَا يَأْمَنُ

جَارُهُ بَوَائِقَهُ».

«سوگند به خدا که ایمان کامل ندارد، سوگند به خدا که ایمان کامل ندارد، گفته شد: چه کسی ای پیامبر خدا؟ فرمود: کسی که همسایه‌اش از بدی او در امان نباشد»^۲.

کسی پرسید: ای پیامبر خدا، فلان زن شب نماز می‌گزارد و روز، روزه دارد، ولی همسایه‌اش را می‌آزارد. پیامبر ﷺ فرمود: «هی فی النار»^۳. «او در دوزخ است».

در حدیثی که انس روایت کرده است پیامبر می‌فرماید:

«مَا آمَنَ بِي مَنْ بَاتَ شَبَعَانًا وَجَارُهُ جَائِعٌ إِلَى جَنْبِهِ وَهُوَ يَعْلَمُ»^۴.

«کسی که سیر بخوابد در حالی که در کنارش همسایه‌اش گرسنه است و او می‌داند، چنین فردی هرگز به من ایمان نیاورده است».

سوم: تحمل کردن آزار همسایه

اگر از همسایه آزاری در گفتار یا رفتار حتی با اشاره به او رسید راه نجات از این اذیت صبرکردن است. مردی خدمت پیامبر آمد و از همسایه‌اش

۱- متفق علیه، صحیح بخاری: (۶۰۱۸) صحیح مسلم: (۴۷).

۲- متفق علیه، صحیح بخاری (۶۰۱۶) صحیح مسلم (۴۶).

۳- رواه احمد و حاکم، اسناد آن صحیح است.

۴- روایت طبرانی در «الکبیر» و بزار و خطیب.

شکایت می‌کرد پیامبر به او فرمود: «اصبر» «صبر کن». در بار سوم و چهارم که خدمت پیامبر شکایت آورد، پیامبر صلی الله علیه و آله به او فرمود: «أخرج متاعك في الطريق فطرحه، فجعل الناس يمرون به، ويقولون: مالك؟ فيقول: آذاني جاري، فيلعنون جاره حتى جاءه، وقال له: رد متاعك إلى منزلك، فإني والله لا أعود»^۱.

«اثاثیهات را بیرون بیاور و بر سر راه بینداز» او هم این کار را کرد. مردمی در کنار او عبور می‌کردند، می‌گفتند: چی شده؟ می‌گفت: همسایه‌ام مرا اذیت می‌کند و مجبورم وسایلم را این‌جا بیندازم. مردم هم همسایه‌اش را نفرین می‌کردند تا این که همسایه آمد و به او گفت: اثاثیه‌ی منزلت را به درون خانه بیاور که سوگند به خدا تکرار نمی‌کنم».

پیامبر صلی الله علیه و آله می‌فرماید:

«إن الله تعالى يحب الرجل له الجار سوء يوذیه، فيصبر علی اذاه ويحتسبه حتى يكفيه الله بحياة أو موت»^۲.

«خدای والامرتبه مردی را دوست دارد که همسایه‌ای داشته باشد که او را اذیت کند ولی این مرد صبر کند تا این که خداوند به زندگی یا مرگ او را کفایت کند».

۱- روایت ابوداود.

۲- خطیب در «التاریخ» روایت کرده و سیوطی آن را صحیح دانسته است.

مسئولیت‌پذیری پزشک نسبت به بیماران

شغل پزشکی امانتی است در اختیار پزشک و بیمارانش نزد وی امانت هستند. هیچ امانتی بزرگ‌تر و شریف‌تر و بااهمیت‌تر و در عین حال خطرناک‌تر از حرفه‌ی پزشکی وجود ندارد، زیرا زندگی و مرگ بیمار به رفتار خیرخواهانه یا بی‌توجهی پزشک بستگی دارد. تفاوتی ندارد که در حد تجویز نسخه‌ی دارو باشد و یا عمل جراحی بیمار، در هر دو مورد هوشیاری و دقت پزشک و یا غفلت و بی‌توجهی او سرنوشت‌ساز است، خداوند بلندمرتبه می‌فرمایند:

﴿إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ فَأَبَيْنَ أَنْ يَحْمِلْنَهَا وَأَشْفَقْنَ مِنْهَا وَحَمَلَهَا الْإِنْسَانُ إِنَّهُ كَانَ ظَلُومًا جَهُولًا﴾ [الأحزاب: ۷۲].

«ما امانت (خویش) را بر آسمان‌ها و زمین و کوه‌ها عرضه داشتیم و آن‌ها از پذیرش امانت خودداری کردند و از آن ترسیدند و انسان آن را حمل کرد به راستی که او ستمگر نادان است.»

خودداری آسمان‌ها، زمین و کوه‌ها از پذیرش این امانت به سبب مشقت حاصل از آن بود و نیز به خاطر جایگاه این مسئولیت‌پذیری در پیشگاه خدا در روز قیامت و بازخواست شدن از آن‌ها.

آیا امانتی بزرگ‌تر و مهم‌تر از روح انسانی وجود دارد که خداوند بلندمرتبه در این سخنش او را گرامی داشته است:

﴿وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا﴾ [الإسراء: ۷۰].

«ما بنی آدم را گرامی داشتیم و آنان را در خشکی و دریا حمل کردیم و از چیزهای پاکیزه و خوشمزه روزیشان نمودیم و بر بسیاری از آفریدگان خود کاملاً برتریشان داده‌ایم».

پزشک باید دلسوز بوده و در کارش اخلاص داشته باشد و وظیفه‌ای را که بر عهده دارد به خوبی انجام دهد، مردم به وی اعتماد کرده و جان خود را به او سپرده‌اند، بنابراین باید کار خود را به دقت و درستی انجام دهد، اگر نه در پیشگاه خدا در روز قیامت بازخواست خواهد شد و بی‌شک نسبت به کم‌کاری و بی‌دقتی مسؤول خواهد بود.

چه بسیار مصیبت‌هایی که به وقوع پیوسته‌اند و انسان‌هایی که بر اثر سهل‌انگاری و بی‌احتیاطی پزشکی جان باخته‌اند و چه بسا پزشکانی که به خاطر دل‌بستگی به پول بی‌ارزش جان بیماران را در معرض خطر قرار داده و به مسئولیت شرعی و قانونی خویش عمل نکرده‌اند!

مسئولیت ثروتمندان نسبت به مستمندان

- ۱- حقوقشان را به آنها برسانند.
- ۲- به آنان بدی نکنند.
- ۳- آنان را دریابند.
- ۴- از نکوهش و بدرفتاری نسبت به آنها پرهیز کنند.

مسئولیت ثروتمندان نسبت به نیازمندان

۱- نخست ثروتمندان باید بدانند مالی را که در دست دارند در حقیقت مالک آن خداوند است و او این مال را به عنوان امانت در اختیار بندگانش قرار داده و آن‌ها را جانشین خود در این مال کرده است. بنابراین ثروتمندان در مورد این امانت باید از خداوند اطاعت نموده و مال را در جهتی که خداوند فرموده به مصرف برسانند. خداوند فرمان داده است که ثروتمندان حقوق معین فقیران، مسکینان و خانه‌نشینان از قبیل زکات واجب و صدقه‌ی نفلی را از دارایی خود پرداخت کنند، لذا ثروتمندان موظفند امانت را به صاحبانش برسانند و از هر بی‌لطفی و درشتی در سخن و رفتار نسبت به مستمندان بپرهیزند. در زمان پیامبر اسلام و خلفای راشدین پرداخت زکات اجباری بوده و به زور از ثروتمندان گرفته و به بیت‌المال سپرده می‌شد و به مصرف نیازمندان می‌رسید و امروز که بیت‌المال مشخصی وجود ندارد مسئولیت توزیع زکات به خود ثروتمندان بر می‌گردد که زکات خود را در بین مستمندان توزیع کنند، خداوند بلندمرتبه می‌فرماید:

﴿إِنَّمَا الصَّدَقَتُ لِلْفُقَرَاءِ وَالْمَسْكِينِ وَالْعَمِلِينَ عَلَيْهَا وَالْمَوْلَاةِ قُلُوبُهُمْ
وَفِي الرِّقَابِ وَالْغَرَمِينَ وَفِي سَبِيلِ اللَّهِ وَأَبْنِ السَّبِيلِ﴾ [التوبة: ۶۰].

«صدقات تنها برای تهیدستان و بینوایان و کارکنان (گردآوری و توزیع) و کسانی که دلشان به‌دست آورده می‌شود و (در راه آزادی) بردگان و قرضداران، و در راه خدا، و به در راه مانده (مسافر) است.»

تهیدستان (فقرا) و بینوایان (مسکینان) اولین کسانی‌اند که این آیه به آن‌ها توجه داشته است. خداوند فرمان داده است که بهترین و محبوب‌ترین مال را انفاق کنیم:

﴿لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ﴾ [آل عمران: ۹۲].

«هرگز به نیکی دست نیابید تا آن‌چه را که دوست می‌دارید انفاق کنید.»
دادن زکات به مستمندان نوعی همکاری و هم‌بستگی اجتماعی است که از ویژگی‌های دین مبین اسلام است و اندیشه‌های دیگر از این خصوصیت برخوردار نیستند، تا بدین وسیله جامعه‌ای یک‌پارچه، یک‌دست، هماهنگ و مقتدر، و به دور از کجرویی‌ها و بیماریهای درونی مثل کینه، دشمنی و حسادت باشد، مسلمانان همانند یک پیکرند که هرگاه عضوی از آن به درد آید سایر اعضا در بیداری و تب و رنج با او همدردی می‌کنند. چنان‌که در حدیث پیامبر ﷺ آمده است که:

«الْمُؤْمِنُونَ كَرَجُلٍ وَاحِدٍ إِنْ اشْتَكَى رَأْسُهُ تَدَاعَى لَهُ سَائِرُ الْجَسَدِ بِالْحَمَى وَالسَّهْرِ».

«مؤمنان در دوستی، مهربانی و مهرورزی‌شان همانند یک پیکرند که چون عضوی از آن به درد آید سایر اعضا در بیداری و تب و رنج با او همدردی می‌کنند»^۱.

[شیخ مصلح الدین سعدی این حدیث را چه نیکو به نظم کشیده است:
بنی آدم اعضای یک پیکرند که در آفرینش ز یک گوهرند
چو عضوی به درد آورد روزگار دگر عضوها را نمان قرار

۱- بخاری / ح: ۶۰۱۱ کتاب الأدب. مسلم ح / ۲۵۸۶، کتاب البر والصله.

بنابراین دین اسلام در درجه‌ی اول دین اجتماعی است، خواه دشمنان اسلام بپذیرند یا نپذیرند.

۲- مسئولیت ثروتمندان نسبت به مستمندان به پرداخت حقوقشان (زکات و صدقات) منحصر نیست، بلکه ثروتمندان موظفند از هر نوع بدی و آزار و اذیت نسبت به مستمندان بپرهیزند. خداوند والا مرتبه می‌فرماید:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تُبْطِلُوا صَدَقَاتِكُمْ بِالْمَنِّ وَالْأَذَى﴾ [البقرة: ۲۶۴].

«ای مؤمنان صدقه‌هایتان را با منت گذاشتن و اذیت کردن باطل مکنید.»
مثل این که به او بگویند: من بودم که به تو مال دادم و به تو کمک کردم، تو سزاوار به کمک نیستی ...

۳- صدقه را پنهانی و به دور از نگاه مردم بدهد. در صدقه‌ی سنت (غیر واجب) بهتر است که پنهانی و بدون آن که کسی از آن اطلاع یابد به فقیر برساند تا از جهتی مستمند احساس شرمندگی نکند و نیز صدقه‌دهنده چنان که در بخشی از حدیث پیامبر ﷺ آمده است از زمره‌ی هفت نفری باشد که خداوند آنان را در زیر سایه‌ی عرش خود جا می‌دهد، روزی که هیچ سایه‌ای جز سایه‌ی رحمت خدای بزرگ نیست: «رَجُلٌ تَصَدَّقَ بِصَدَقَةٍ فَأَخْفَاهَا حَتَّى لَا تَعْلَمَ شِمَالُهُ مَا أَنْفَقَتْ يَمِينُهُ». «مردی که صدقه دهد و آن را مخفی دارد طوری که دست چپش نداند که دست راستش چه انفاق کرده است.» این سخن کنایه از نهایت مخفی نگه داشتن صدقه از چشم مردم است، به خاطر این که در این کارش ریا نکرده باشد و فقط خالصانه برای رضایت خدا صدقه داده باشد.

۴- خداوند ثروتمندان را به شدت از نکوهش، رنجاندن و روی گردانیدن از مستمند به هر دلیلی که باشد منع کرده است، خداوند بلندمرتبه می‌فرماید:

﴿وَأَمَّا السَّائِلَ فَلَا تَنْهَرْ﴾ [الضحی: ۱۰].

«و اما خواهنده را مران و محروم مگردان.»

زیرا مستمندان در واقع حقی را که خداوند بر ایشان معین کرده می‌خواهند، چنان‌که در حدیث آمده است:

«والفقراء عيال الله في أرضه.»

«تهیدستان عیال خدا در زمین اویند.»

اگر به هر دلیلی ثروتمندان نتوانند حقوق مستمندان را بپردازند حداقل به نیکی با آن‌ها سخن گویند، چنان‌که در حدیث آمده است: «فالكلمة الطيبة صدقة». «سخن نیک صدقه است.»

همچنین لازم است ثروتمندان در روزهای جشن و شادی با کمک‌های مادی خود شادی را به خانه‌ی مستمندان وارد کنند و آنان را از گدایی و درخواست کمک در چنین روزهایی بی‌نیاز نمایند. در حدیث آمده است که پیامبر ﷺ می‌فرماید:

«أغنوهم عن المسألة في هذا اليوم.»

«آنان را در این روز (عید) از کمک خواستن و دست‌گدایی دراز کردن بی‌نیاز کنید.»

مسئولیت فرد مسلمان در برابر عموم مسلمانان

- ۱- آنچه را که برای خود دوست دارد برای برادرش نیز دوست بدارد.
- ۲- هرگاه از او مشورت خواست خیرخواهانه به وی کمک کند.
- ۳- در هر کاری خیرخواه وی باشد.
- ۴- کجروی‌های او را به بهترین روش درست کند.
- ۵- به او ستم نکند و وی را خوار نسازد.
- ۶- به او کمک کند.
- ۷- عیب‌های او را بپوشاند.

مسئولیت فرد مسلمان در برابر عموم مسلمانان

مسلمان در برابر برادر مسلمانش مسؤولیت بزرگی به دوش دارد از آن جمله:

۱- فرد مسلمان باید آن‌چه را که در امور دینی و دنیایی سودمند است و آن را دوست می‌دارد برای برادر دینی‌اش هم دوست داشته باشد و آن‌چه را که خود نمی‌پسندد برای برادرش نیز نپسندد، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «لَا يُؤْمِنُ أَحَدُكُمْ حَتَّىٰ يُحِبَّ لِأَخِيهِ مَا يُحِبُّ لِنَفْسِهِ»^۱. «هیچ یک از شما ایمان کامل ندارد مگر این‌که آن‌چه را که خود دوست می‌دارد برای برادرش نیز دوست داشته باشد».

۲- هرگاه در کاری با او مشورت شود نظر خیرخواهانه‌ی خود را به او اعلام دارد، اگر این کار نیک باشد او را به آن راهنمایی و تشویق کند و اگر بد باشد او را از آن کار دور کند، زیرا پیامبر صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «الدِّينَ النَّصِيحَةُ». «دین همان نصیحت است»، گفتیم: نصیحت برای چه کسی؟ فرمود: «لِلَّهِ وَلِرَسُولِهِ وَلِأَيِّمَّةِ الْمُسْلِمِينَ وَعَامَّتِهِمْ»^۲. «برای خدا و کتابش (قرآن) و برای پیامبرش و برای پیشوایان و عموم مسلمین».

۱- متفق علیه.

۲- روایت بخاری در تاریخ.

۳- اگر برادر مسلمانش به وی کاری سپرد، در آن کار خیرخواه و دلسوز باشد و به کامل‌ترین وجه ممکن انجام دهد، همان‌طور که کار خودش را انجام می‌دهد.

۴- اگر در رفتار برادر مسلمانش کجروی و یا در ادای واجبات کوتاهی و تقصیر دید او را به خوبی نصیحت کند و خیر و شر و حق و باطل را برایش روشن گرداند.

۵- مسئولیت دیگر فرد مسلمان نسبت به برادر مسلمانش، ظلم نکردن به وی است، او را به دشمن نسپارد، به او خیانت نکند، او را خوار نکند، او را تحقیر نکند، مصیبت و رنج و نیازمندیش را برطرف نماید پیامبر ﷺ می‌فرماید: «الْمُسْلِمُ أَخُو الْمُسْلِمِ لَا يَظْلِمُهُ وَلَا يُسْلِمُهُ مَنْ كَانَ فِي حَاجَةِ أَخِيهِ كَانَ اللَّهُ فِي حَاجَتِهِ وَمَنْ فَرَّجَ عَنْ مُسْلِمٍ كُرْبَةً فَرَّجَ اللَّهُ عَنْهُ بِهَا كُرْبَةً مِنْ كُرْبِ يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَمَنْ سَتَرَ عَلَى مُسْلِمٍ سِتْرَهُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ»^۱. «مسلمان برادر مسلمان است به او ستم نمی‌کند و او را تسلیم دشمن نمی‌کند، کسی که در فکر برطرف کردن نیاز برادر خود باشد خداوند در فکر برطرف کردن نیاز اوست و کسی که مسلمانی را از مصیبتی آسوده کند خداوند او را از مصیبتی را بیوشاند خداوند در روز قیامت او را می‌پوشاند».

در حدیث دیگری آمده است:

«الْمُسْلِمُ أَخُو الْمُسْلِمِ لَا يَخُونُهُ وَلَا يَكْذِبُهُ وَلَا يَخْذُلُهُ كُلُّ الْمُسْلِمِ عَلَى الْمُسْلِمِ حَرَامٌ عِرْضُهُ وَمَالُهُ وَدَمُهُ التَّقْوَى هَا هُنَا بِحَسَبِ أَمْرِي مِنَ الشَّرِّ أَنْ يَحْتَقِرَ أَحَاهُ الْمُسْلِمُ»^۱.

«مسلمان برادر مسلمان است به او خیانت نمی‌کند، به وی دروغ نمی‌گوید او را خوار نمی‌نماید. همه چیز مسلمان مانند خون، مال و آبرویش بر مسلمان حرام است. پیامبر ﷺ به سینه‌ی (مبارکش) اشاره می‌کند که تقوا این جاست، برای بد بودن انسان همین بس که برادر مسلمانش را تحقیر کند».

۶- از دیگر مسؤولیت‌های مسلمان در برابر برادر مسلمانش این است که

او را یاری دهد چه ظالم باشد و چه مظلوم، زیرا پیامبر ﷺ می‌فرماید: «أَنْصُرُ أَخَاكَ ظَالِمًا أَوْ مَظْلُومًا». «برادرت را یاری کن، چه ظالم باشد و چه مظلوم». مردی گفت: ای رسول خدا، اگر مظلوم باشد او را کمک می‌کنیم، اگر ظالم باشد چگونه به او کمک کنیم؟ پیامبر فرمود: «تَحْجُرُهُ أَوْ تَمْنَعُهُ مِنَ الظُّلْمِ، فَإِنَّ ذَلِكَ نَصْرُهُ»^۲. «او را باز دارد و از ستم منع کند، زیرا منع از ستم کردن همان یاری دادن اوست».

۷- از دیگر مسؤولیت‌های مسلمان در مقابل برادر مسلمانش این است که اگر لغزشی از او سر زد عیب او را بیوشاند، پیامبر ﷺ می‌فرماید: «لَا يَسْتُرُ عَبْدٌ عَبْدًا فِي الدُّنْيَا إِلَّا سَتَرَهُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ»^۳ «هیچ بنده‌ای

۱- مسلم، کتاب البر والصلة فبا تحريم ظلم المسلم... ح ۶۴۸۷ ابن ماجه، كتاب الزهد،

باب البغي حديث: ۴۲۱۳.

۲- روايت بخارى.

۳- روايت مسلم.

(عیب) بنده‌ی دیگر را نمی‌پوشاند مگر این که خداوند (عیوب) او را در روز قیامت می‌پوشاند».

مسئولیت مسلمان در برابر عموم انسان‌ها

- ۱- رساندن رسالت اسلام به انسان‌ها
- ۲- مسئولیت عهد و پیمان
- ۳- رفتار خوب با اهل ذمه
- ۴- مسئولیت در مقابل اسرای کفار
- ۵- حرمت قتل کافر بدون ارتکاب جرم
- ۶- حرمت تعرض و آزار رساندن به زنان و کودکان
- ۷- در کشورهای اسلامی مطابق قوانین اسلامی با غیرمسلمان رفتار می‌شود.
- ۸- لعنت و نفرین به فرد معین کافر درست نیست.

مسئولیت مسلمان در برابر عموم انسان‌ها

انسان - گرچه کافر باشد - نزد خدا از مقام کرامت و منزلت خاصی برخوردار است:

﴿وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْوَعْدِ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا﴾ [الإسراء: ۷۰].

«در حقیقت ما فرزندان آدم را گرامی داشته‌ایم، و آنان را در خشکی و دریا (با وسایل نقلیه) برنشانیدیم و از چیزهای پاکیزه روزیشان نمودیم و آنان را بر بسیاری از آفریده‌های خود برتری بخشیدیم.»

خلاصه‌ی مسئولیت مسلمان در برابر غیرمسلمان به شرح ذیل است:

۱- تبلیغ رسالت اسلام: رسالت اسلام را به تک‌تک افراد غیرمسلمان در جوامع غیرمسلمان شرق و غرب برساند، اگرچه این کار هزینه‌ی زیادی در بر داشته باشد، خدای بلندمرتبه می‌فرماید:

﴿ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَدِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ﴾ [النحل: ۱۲۵].

«(ای پیامبر) به راه پروردگارت با حکمت و پند نیکو فراخوان، و به روشی که آن روش [بہتر است با آنان مجادله کن].»

﴿وَمَنْ أَحْسَنُ قَوْلًا مِّمَّنْ دَعَا إِلَى اللَّهِ وَعَمِلَ صَالِحًا وَقَالَ إِنَّنِي مِنَ الْمُسْلِمِينَ﴾ [فصلت: ۳۳].

«و کیست خوش‌گفتارتر از آن که مردم را به سوی خدا می‌خواند و کارهای شایسته انجام می‌دهد و اعلام می‌دارد که من از زمره‌ی مسلمانان هستم.»

پیامبر ﷺ می‌فرماید: «بَلِّغُوا عَنِّي وَلَوْ آيَةً»^۱.

«رسالت مرا تبلیغ کنید اگر چه بیان یک آیه باشد».

ابزار و وسایل دعوت به اسلام گفتار و کردار و رفتار نیکوی مسلمان است تا بدین وسیله مسلمان برای دیگران الگو باشد. چنان چه مسلمان در هر کدام از این موارد کوتاهی کند، بداند که مورد مؤاخذه و محاسبه قرار می‌گیرد. وظیفه و مسئولیت دعوت بر عهده‌ی همه‌ی مسلمانان مخصوصاً عالمان است.

۲- مسئولیت عهد و پیمان: اگر مسلمانان با کافران عهد و پیمانی داشته باشند باید به آن متعهد بوده و عهد خویش حتی در مقابل دشمن را هم به تمام برسانند. خداوند می‌فرماید:

﴿وَأَوْفُوا بِالْعَهْدِ إِنَّ الْعَهْدَ كَانَ مَسْئُولًا﴾ [الإسراء: ۳۴].

«به عهد و پیمان وفا کنید، زیرا از عهد و پیمان پرسیده می‌شود».

﴿وَأَوْفُوا بِالْعَهْدِ اللَّهُ إِذَا عَاهَدْتُمْ﴾ [النحل: ۹۱].

«به پیمان خدا که با همدیگر می‌بندید وفادار باشید».

پیامبر ﷺ با کفار مکه در صلح حدیبیه و با یهودیان در مدینه معاهده داشته است و مفاد این معاهدات این بوده که نامسلمان تا زمانی که خیانت نکرده‌اند از حقوق و تکالیف برابر با مسلمانان برخوردار باشند. این معاهدات میان دولت اسلام با دیگران بوده است.

۳- اما در سطح افراد و کسانی که در میان مسلمانان و تحت حکم و قدرت مسلمانان زندگی می‌کنند، و اینان کسانی‌اند که اهل ذمه نامیده

۱- روایت بخاری، احمد و ترمذی

می‌شوند، روا نیست به آن‌ها ستم شود و یا به حقوق آن‌ها تجاوز نمود یا بیش‌تر از توانشان از آنان جزیه گرفت. پیامبر ﷺ می‌فرماید:

«من آذی ذمياً فأنا خصمه يوم القيامة»^۱.

«کسی که ذمی را اذیت کند من در روز قیامت دشمن او خواهم بود»
و فرموده است:

«أَلَا مَنْ ظَلَمَ مُعَاهِدًا أَوْ انْتَقَصَهُ أَوْ كَلَّفَهُ فَوْقَ طَاقِهِ أَوْ أَخَذَ مِنْهُ شَيْئًا بغيرِ طيبِ نَفْسٍ فَأَنَا حَجِيحُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ»^۲.

«آگاه باشید کسی که به معاهدی (هم‌پیمانی) ستم کند یا از قدر و منزلت وی بکاهد و یا بیش‌تر از توانش او را مکلف نماید یا به زور و بدون رضایت چیزی را از او بگیرد من در روز قیامت سخت به او معترض و مدافع معاهد هستم».

امیرالمؤمنین عمر فاروق رضی الله عنه پیرمردی از اهل کتاب را دید که گدایی می‌کرد به او گفت: چه کار می‌کنی؟ گفت: به خاطر پرداخت جزیه و تأمین زندگی‌ام گدایی می‌کنم. حالت تأثر و اندوه بر چهره‌ی عمر ظاهر شد. او را به سوی مسئول بیت‌المال مسلمین برد و فرمود: به این مرد و امثال او نگاه کن، ما عادلانه و منصفانه با آن‌ها برخورد نکرده‌ایم، در جوانی‌اش او را به کار گرفته‌ایم و در پیری‌اش رهایش کرده‌ایم، آن‌گاه دستور داد از او و امثال او جزیه نگیرند و حقوقی از بیت‌المال مسلمانان برایشان مقرر نمایند.

عمر رضی الله عنه هنگام مسافرت به دمشق در سرزمینی که گذر می‌کرد قومی از نصارا زندگی می‌کردند که دچار خشک‌سالی و قحطی شده بودند، دستور داد از بیت‌المال به آنان کمک شود.

۱- روایت مسلم.

۲- سنن ابو داود (ح ۲۶۵۸).

۴- باید به اسرای کافر احترام گذاشت و به آن‌ها غذا داد و در دادن آب و خوراک به آنان کوتاهی نکرد. و نباید با زدن و سرزنش و توبیخ و توهین به حقوق آن‌ها تعدی کرد، خداوند می‌فرماید:

﴿وَيُطْعَمُونَ أَلْطَعَامَ عَلَىٰ حَبِّهِ مِسْكِينًا وَيَتِيمًا وَأَسِيرًا﴾ [الإنسان: ۸].

«با وجود علاقه‌ی و دوستی خود به غذا آن را به فقیر و یتیم و اسیر می‌بخشیدند».

اسیر همان کافری است که در میدان جنگ به اسارت گرفته می‌شود و در دست مسلمانان و تحت سیطره‌ی آنان قرار می‌گیرد.

۵- هیچ کافر بی‌گناهی را نمی‌توان کشت، اگر مسلمان کافری را به ناحق بکشد در روز قیامت در پیشگاه خداوند باید جوابگو باشد. یکی از یاران پیامبر ﷺ در جنگ، فردی از دشمن را بعد از گفتن «لا اله الا الله» کشت. پیامبر ﷺ آن صحابه را سرزنش کرد، صحابی گفت: ای پیامبر، این مرد از ترس شمشیر «لا اله الا الله» گفت. پیامبر ﷺ به او فرمود: «أَفَلَا شَقَقْتَ عَن قَلْبِهِ حَتَّى تَعْلَمَ أَنَّهُ قَالَهَا أُمَّ لَأَ»^۱. «آیا تو قلبش را شکافتی تا بدانی آن را (کلمه‌ی توحید) از ترس گفته یا نه»؟

۶- هنگام جنگ اقدام به قتل و اذیت زنان و کودکان مشرکین نشود، در سفارش پیامبر ﷺ به هنگام جهاد آمده است: «انْطَلِقُوا بِاسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ وَعَلَىٰ مِلَّةِ رَسُولِ اللَّهِ وَلَا تَقْتُلُوا شَيْخًا فَانِيًّا وَلَا طِفْلًا وَلَا صَغِيرًا وَلَا امْرَأَةً وَلَا تَعْلُوا وَضُمُّوا عَنَائِمَكُمْ وَأَصْلِحُوا وَأَحْسِنُوا (إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ)»^۲. «با نام خدا و به یاری خدا و بر مبنای آیین رسول خدا حرکت کنید، هیچ پیرمرد،

۱- صحیح مسلم (ح ۱۴۷۰) باب تحریم قتل الکافر بعد أن قال لا إله إلا الله.

۲- سنن ابو داود (حدیث ۲۲۴۷).

کودک و زنی را نکشید، کسی را به زنجیر نکشید غنیمت‌هایتان را بگیرید، صلح برقرار نمایید، نیکی کنید، که خداوند نیکوکاران را دوست می‌دارد».

عمر فاروق رضی الله عنه در سفارش‌های خود به فرماندهان و سربازان می‌گوید: پیرزن و طفل را نکشید و هنگام برخورد دو لشکر و یورش جنگجویان، از آنان محافظت کنید تا کشته نشوند. و نیز در سفارش ایشان به ابو عبیده رضی الله عنه آمده است: مسلمانان را از ستم کردن و ضرر رساندن و خوردن اموال مشرکان بنا حق بازدار، و به کلیه‌ی پیمان‌هایی که با مشرکان منعقد کرده‌اید پایبند باشید.

۷- تا زمانی که نامسلمانان در سرزمین اسلامی هستند مانند مسلمانان احکام شریعت اسلام بر آنها اجرا گردد، کلیه‌ی حقوق و تکالیفی که برای مسلمانان مقرر شده برای آنها نیز مقرر است و هرگز جایز نیست به دارایی و ناموس آنها تعرض شود.

۸- در صورتی که به مسلمان شدن آنها امید است از مال زکات به آنها داده شود، زیرا خداوند فرموده است:

﴿وَالْمَوْلَاةَ قُلُوبُهُمْ﴾ [التوبة: ۶۰].

و آنان را از جمله مستحقان زکات یاد کرده است. و نیز اگر مصلحتی وجود داشته باشد دادن صدقه‌ی غیر واجب به آنها بلامانع است.

۹- لعنت به کافر معین جایز نیست، زیرا تنها خداوند آگاه به سرانجام هر انسانی است و تنها چیزی که جایز است لعنت به عموم کفار است خداوند می‌فرماید:

﴿فَلَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الْكٰفِرِيْنَ﴾ [البقرة: ۸۹].

که در این جا منظور عموم امت است نه شخص معین از آنها.

مسئولیت مسلمان نسبت به جانوران

نخست انسان باید بداند که در مورد حیوانات و پرندگانی که در اختیار و تحت تصرف وی هستند مسئولیت دارد و لذا باید:

۱- آب و غذا برایشان فراهم کند و وظیفه‌ی خود را در مقابل این حیوانات به خوبی انجام داده و هرگز کم‌کاری نکند، زیرا چنان‌که گفته شد در پیشگاه خدا مسئولیت دارد و مؤاخذه می‌شود و دلیل این مطلب این است که: پیامبر خدا ﷺ وارد حیاط خانه‌ی یکی از انصار شد، ناگهان شتری را دید، وقتی که شتر متوجه حضور پیامبر ﷺ شد صدایی از خود درآورد و چشمانش پر از اشک شد، پیامبر آمد و دستی بر او کشید و اشک‌هایش را پاک کرد، سپس شتر آرام شد و پیامبر ﷺ فرمود: صاحب این شتر کیست؟ این شتر مال کیست؟ مرد جوانی آمد و گفت: ای رسول خدا، مال من است. پیامبر ﷺ فرمود: چرا در مورد این چهارپایان از خدا نمی‌ترسی؟ خدایی که این شتر را به مالکیت تو درآورده است. این شتر نزد من از تو شکایت می‌کند که گرسنه و خسته‌اش کرده‌ای^۱.

فرمان اسلام در آب و خوراک دادن به جانور تنها منحصر به آنچه در اختیار انسان است نیست، بلکه همه‌ی جانوران را در بر می‌گیرد، حتی جانور بیابان که در مالکیت انسان نیست.

نبی رحمت ﷺ می‌فرماید: «مردی در بیابان راه می‌رفت و تشنگی بر او فشار آورده بود، به درون چاهی رفت و از آن آب نوشید و بیرون آمد، در این

۱- امام برقانی به اسناد مسلم و ابو داود.

هنگام سگی را دید که از شدت تشنگی زبانش را بیرون می‌آورد و خاک می‌خورد، مرد با خود گفت: این سگ مانند من به شدت تشنه است. به درون چاه رفت و کفش خود را پر از آب کرد، با دهانش آن را گرفت و از چاه بیرون آمد و سگ را سیراب کرد، خداوند این شخص را تمجید کرد و گناهایش را بخشید».

صحابه پرسیدند: ای رسول خدا، آیا در مورد جانوران هم ما اجر و ثواب داریم؟ پیامبر؟ پیامبر فرمود:

«فِي كُلِّ كَيْدٍ رَطْبَةٌ أَجْرٌ»^۱.

«در هر کبد زنده‌ای پاداش است». یعنی در نیکی به هر حیوان زنده‌ای اجر و پاداش وجود دارد.
و باز می‌فرماید:

«مَا مِنْ مُسْلِمٍ يَغْرِسُ عَرَسًا، أَوْ يَزْرَعُ زَرْعًا، فَيَأْكُلُ مِنْهُ طَيْرٌ أَوْ إِنْسَانٌ أَوْ بَهِيمَةٌ، إِلَّا كَانَ لَهُ بِهِ صَدَقَةٌ»^۲.

«هر مسلمانی که درختی و یا زراعتی بکارد، سپس پرنده‌ای یا انسانی و یا حیوانی از آن بخورد برای او به سبب آن کار صدقه هست».

پیامبر ﷺ انسان‌ها را از آزار رساندن به جانوران خواه اهلی و یا وحشی نهی کرده است و می‌فرماید:

«عُدَّ بَتِ امْرَأَةٍ فِي هِرَّةٍ سَجَنَتَهَا حَتَّى مَاتَتْ، فَدَخَلَتْ فِيهَا النَّارَ، لَا هِيَ أَظْعَمَتْهَا وَلَا سَفَتَهَا إِذْ حَبَسَتْهَا، وَلَا هِيَ تَرَكَتْهَا تَأْكُلُ مِنْ حَشَائِشِ الْأَرْضِ»^۱.

۱- روایت احمد و ابن‌ماجه.

۲- صحیح البخاری (ح ۲۱۵۲).

«زنی به خاطر گربه‌ای عذاب داده شد این زن گربه را زندانی کرد تا مرد و به همین سبب وارد دوزخ شد. این زن نه خودش آب و خوراک به آن گربه داد و نه آزادش کرد که از حشرات و خزنده‌های زمین و یا از گیاهان بخورد».

پیامبر ﷺ نهی کرده است که جانوری زنده را در جایی نگه دارند و با تیراندازی و پرتاب سنگ و چیزهای دیگر به عنوان تفریح یا مسابقه آن را بکشند.^۲

پیامبر ﷺ الاغی را دید که در پیشانی‌اش با داغ کردن علامت گذاشته‌اند، فرمودند:

«لَعَنَ اللَّهُ الَّذِي وَسَمَهُ».

«خداوند کسی را که بر پیشانی این الاغ کرده نفرین کند».^۳

عبدالله بن عمر رضی الله عنهما از کنار نوجوانانی از قریش رد شد که پرنده‌ای را بسته بودند و به سوی او تیر می‌انداختند و هر تیری که خطا می‌رفت برای صاحب پرنده امتیازی محسوب می‌کردند، آن‌ها وقتی ابن عمر را دیدند پراکنده شدند، ابن عمر فرمود: چه کسی این کار را کرده است؟ خدا او را

۱- متفق علیه: بخاری (ح ۳۴۸۲) کتاب احادیث الأنبياء مسلم (ح ۲۲۴۲) باب تحریم قتل الهرة. این لفظ مسلم است و لفظ بخاری به جای حبستها ربطتها آمده و با همین لفظ در مسلم هم آمده است.

۲- أن تصبر البهائم (مسلم ح ۱۹۵۶) باب النهی عن صبر البهائم).

۳- لعن الله الذی وسمه مسلم (ح ۲۱۱۲) باب النهی عن ضرب الحيوان في وجهه و وسمة فيه.

لعنت کند، پیامبر خدا لعنت کرده کسی را که چیزی را که دارای روح است (با نشانه‌گذاری برای تفریح) مورد هدف قرار دهد.^۱

پیامبر خدا لانه‌ی مورچه‌ای را دید که گروهی آن را آتش زده بودند، فرمود: چه کسی این لانه را آتش زده است؟ کسانی گفتند: ما. پیامبر ﷺ فرمود: سزاوار نیست کسی جز صاحب آتش (خداوند) به وسیله‌ی آتش کسی را عذاب دهد.^۲

باز می‌فرماید: هر که گنجشکی و یا پرنده‌ی بزرگ‌تری را به ناحق بکشد، خداوند در روز قیامت در مورد آن از وی بازخواست می‌کند. گفتند: حق گنجشک چیست یا رسول‌الله؟ فرمودند: حق گنجشک آن است که آن را ذبح کند و بخورد و نه این که سر آن را قطع کند و پرتاب نماید.^۳

این عباس روایت کرده است که پیامبر، از کشتن چهار حیوان نهی کرده است: مورچه، زنبور عسل، هدهد، سرد^۴ (شیرگنجشک).

سهل بن سعد ساعدی روایت می‌کند که پیامبر ﷺ از کشتن پنج حیوان نهی کرده است: مورچه، زنبور عسل، قورباغه، شیرگنجشک و هدهد.^۵

۱- (مسلم ۳۶۱۷ باب نهی عن صبر البهائم).

۲- (سنن ابو داود ح ۲۶۷۵ باب فی کراهیة حرق العدو بالنار، و ح ۵۲۶۸ باب فی قتل الذر).

۳- نسایی ۴۳۴۹ باب إباحة أكل العصفير.

۴- سنن ابو داود (ح ۵۲۶۷) باب فی قتل الذر سنن ابن ماجه (ح ۳۲۲۴) باب ما ینهی عن قتله). ابن اثیر در النهایة گوید: سرد پرنده‌ای است که نصف آن سفید و نصف دیگرش سیاه است.

۵- روایت بیهقی.

ابن مسعود گفته است: در سفری همراه پیامبر ﷺ بودیم و پیامبر برای قضای حاجت رفت. در این هنگام اردک گردن طلایی را با دو جوجه‌اش دیدم. چون جوجه‌هایش را گرفتم، اردک آمد و بال‌هایش را بر جوجه‌هایش گشود. وقتی پیامبر آمد و این حالت را دید، فرمود: «چه کسی این پرنده را پریشان کرده است؟ جوجه‌هایش را پس دهید».^۱

پیامبر ﷺ شتر بسیار ضعیفی را دیدند، دستور داد تا زمانی که این شتر سلامتیش را به دست نیاورده از آن کار نکنند. سهل بن عمرو روایت می‌کند که پیامبر ﷺ از کنار شتری رد شد که پشتش به شکمش چسبیده بود (کنایه از لاغری و گرسنگی) آن گاه فرمود:

«اتَّقُوا اللَّهَ فِي هَذِهِ الْبَهَائِمِ الْمُعْجَمَةِ فَاَرْكُبُوهَا وَكُلُوْهَا صَالِحَةً»^۲.

«در حق این چهارپایان زبان‌بسته از خدا بترسید، به درستی بر آن‌ها سوار شوید و به درستی به آن‌ها خوراک دهید».

پیامبر ﷺ فرمودند:

«لَا تَتَّخِذُوا ظُهُورَ ذَوَابِّكُمْ مَنَابِرَ، إِنَّمَا سَخَّرَهَا لَكُمْ لِئَلْبَلَّغَكُمْ إِلَى بَلَدٍ لَمْ تَكُونُوا بِالْغِيَةِ إِلَّا بِشِقِّ الْأَنْفُسِ، وَجَعَلَ لَكُمْ الْأَرْضَ، فَعَلَيْهَا، فَاقْضُوا حَاجَاتِكُمْ».

«پشت چهارپایان‌تان را منبر مگردانید، زیرا خداوند این حیوانات را برای شما مسخر کرده است تا شما را به شهرتان که جز به سختی بدان نمی‌رسید برسانند، و زمین را برای شما قرار داده است، نیازتان را بر روی زمین برآورده کنید».^۱

۱- سنن ابوداود ۲۶۷۵،

۲- سنن ابو داود ح ۵۲۶۷ باب في قتل الذر. سنن ابن ماجه ح ۳۲۲۴ باب ما ينهى عن قتله.

از ابو هریره روایت است که پیامبر ﷺ فرمودند:

«إِذَا سافَرْتُمْ فِي الخَصْبِ فَأَعْطُوا الإِبِلَ حَظَّهَا مِنَ الأَرْضِ (الرعى) وَإِذَا سافَرْتُمْ بِالجَدْبِ، فَأَسْرِعُوا عَلَيْهَا السِيرَ، وَبادِرُوا بِهَا نَقَبَهَا، وَإِذَا عَرَسْتُمْ، فَاجْتَنِبُوا الطَّرِيقَ، فَإِنَّهَا طَرَقَ الدَّوَابَّ، وَمَأْوَى الهَوَامِّ بِاللَّيْلِ»^۲.

«هرگاه در سرزمین حاصل خیزی مسافرت کردید، حق شتر را به او دهید (بگذارید در چراگاه بچرد) و اگر در سرزمین خشک و بی آب و علفی سفر کردید شتر را سریع برانید قبل از این که خسته شود. هرگاه شب به استراحت پرداختند از خوابیدن در راه‌ها پرهیز نمایید، زیرا راه محل حرکت حیوانات و خزندگان (مار و عقرب) در شب است».

شارع حکیم در وقت قربانی کردن حیوان فرمان به مهربانی و نیکی داده است. پیامبر ﷺ می فرماید:

«إِذَا قَتَلْتُمْ فَأَحْسِنُوا الْقِتْلَةَ، وَإِذَا ذَبَحْتُمْ فَأَحْسِنُوا الذَّبْحَةَ، وَلِيُحَدَّ أَحَدُكُمْ شَفْرَتَهُ، وَلِيُرِيحَ أَحَدُكُمْ ذَبِيحَتَهُ»^۳.

«هرگاه کسی را به حکم شرع کشتید، کشتن او را به وجه نیکو انجام دهید و هرگاه حیوانی را ذبح کردید به نیکی ذبح کنید، لازم است که کارد را تیز نمایید و ذبیحه را استراحت دهید».

از جمله موارد آزار رساندن به حیوان این است که جلو آن جانور دیگری را ذبح و قربانی کنی و یا این که هنگام قربانی آلت ذبح (چاقو و امثال آن) را به او نشان دهی. روایت شده که مردی چاقویش را تیز می کرد و گوسفند

۱- سنن ابو داوود ح ۲۵۶۷ باب الوقوف على الدابة.

۲- روتیت دار قطنی و سیوطی آن را ضعیف دانسته است.

۳- روایت مسلم.

هم می‌دید، پیامبر ﷺ فرمود: آیا دوست داری دو بار او را بکشی؟ چرا قبل از این که او را بر زمین بخوابانی چاقویت را تیز نکردی؟

ابن سیرین از عمر فاروق رضی الله عنه روایت می‌کند که وی مردی را دید که به خشونت گوسفندی را بر زمین خوابانده و پایش را بر چهره‌ی گوسفند گذاشته و چاقویت را تیز می‌کند. عمر او را با چوب‌دستی زد. آن مرد فرار کرد و گوسفند نیز رم کرد.

در سیره‌ی عمر بن عبدالعزیز رضی الله عنه آمده است که وی از سوارشدن بر اسب جز در وقت ضرورت نهی کرده است.

عمر بن عبدالعزیز رضی الله عنه به حیوان در مصر نوشت که: به من خبر رسیده که از شتر در بارکشی و نقل و انتقال بار استفاده می‌شود و بر روی یک شتر هزار رطل^۱ بار می‌شود، هرگاه این نامه به دست تو رسید دیگر نشنوم که بیش‌تر از ۶۰۰ رطل بر روی یک شتر بار می‌شود.

مسیب بن دارم نقل می‌کند که وی عمر رضی الله عنه را دیده است که مردی را می‌زد به خاطر این که بیش‌تر از حد توان یک شتر بر او بار گذاشته بود.

حکایت کرده‌اند که احمد بن حنبل برای جست‌وجوی حدیث از بغداد به شام رفت تا از محدث مشهور آن‌جا حدیث دریافت کند، وقتی به او رسید دید که دارد سگی را خوراک می‌دهد. ابن حنبل نشست، و محدث به اندازه‌ی مشغول خوراک دادن سگ شد که ابن حنبل به تنگ آمد و خسته شد و هنگامی که محدث کار غذا دادن به سگ را تمام کرد به ابن حنبل روی آورد و به او گفت: حتماً دلتنگ شده‌ای و از من رنجیده‌ای؟ ابن حنبل گفت: آری. محدث گفت: در سرزمین ما سگ وجود ندارد و این سگ به

۱- رطل پیمان‌های برای سنجش وزن اشیاء معادل ۲/۵۶۴ کیلوگرم (پارگی کتاب) مختلف مقدار آن متفاوت بود.

امید این که به آن آب و خوراک دهم به طرف من آمده است و من که دانستم آن گرسنه و تشنه است امیدش را برآورده کردم و به آن آب و خوراک دادم، زیرا من از ابی زناد شنیدم و او هم از اعرج و او هم از ابوهریره روایت می کند که پیامبر خدا ﷺ فرمود:

«من قطع رجاء من ارتجاه قطع الله منه رجاءه يوم القيامة فلم يلج الجنة»^۱.

«هرکسی که امید کسی را که از او امیدوار است پاسخ نگوید خداوند در روز قیامت امید او را برآورده نمی کند، و داخل بهشت نمی شود».

ابن حنبل تبسمی کرد و فرمود: این حدیث برای من کافی است و به بغداد بازگشت.

۱- امام سخاوی و دیگر علمای حدیث گفته اند که این قصه دروغ و بی اساس است.

فرجامین سخن

مطالبی که بیان شد تعالیم ارزشمند اسلام است و این همان مسئولیت‌شناسی در اسلام می‌باشد که مسلمانان صدر اسلام به خوبی آن را شناخته بودند و این مسئولیت تنها مبتنی بر نظارت پروردگار بزرگ است و از درون انسان مسلمان سرچشمه می‌گیرد و عوامل دیگر یا اثرهای بیرونی دیگر انسان در آن دخالت ندارد.

به همین خاطر نقش مسئولیت‌پذیری در جامعه‌ی اسلامی بسیار تأثیر داشته و میوه‌ی آن به بار نشست و نتیجه‌ی خوب خود را در سه قرن اول اسلام به روشنی نشان داده است، به دلیل این که پیامبر ﷺ می‌فرمایند:

«خَيْرُ الْقُرُونِ قَرْنِي، ثُمَّ الَّذِينَ يَلُونَهُمْ، ثُمَّ الَّذِينَ يَلُونَهُمْ».

«بهترین قرن‌ها قرن من است، سپس قرنی که بعد از آن می‌آیند و سپس کسانی که بعد از قرن دوم می‌آیند».

در این برهه از زمان مسئولیت‌پذیری در داخل و خارج ممالک اسلامی عملی گردید و در نتیجه عدالت در آن حکم‌فرما و امنیت منتشر شد و شأن و جایگاه اسلام عزیز در میان ملت‌های دیگر برتری یافت.

اما از روزی که ایمان در دل مسلمانان ضعیف شد، مسؤولیت هم به دنبال آن ضعیف شد و کم‌کم به فراموشی سپرده شد، به گونه‌ای که به کلی از میان رفت و فرهنگ و دانش اهریمنان به جای تعالیم اسلام نشست و مسلمانان نه تنها با آنچه از غرب و شرق گرفته بودند رستگار نشدند بلکه آن دستاوردها مایه‌ی بدبختی و ویران‌گری آن‌ها و جامعه‌ی بشری گشت و

سرانجام چیزی جز زیان و ضرر نصیب جامعه‌ی انسانی به ویژه مسلمانان
نشد.

این بود آنچه که خداوند تألیف آن را در این موضوع برایم آسان گردانید.

وصلی الله علی المبعوث رحمة للعالمین وآله وصحبه أجمعین

دکتر عبدالله عبدالرحیم عبدالله عبادی

۱۴۲۱/۱۱/۱۳ هـ موافق با: ۲۰۰۰/۲/۷ م

کتابهای مؤلف

- ۱- من الآداب والأخلاق الإسلامية
- ۲- الذبائح في الشريعة الإسلامية (پایان نامه‌ی فوق لیسانس)
- ۳- موقف الشريعة من المصاريف الإسلامية المعاصرة (پایان نامه‌ی دکترا)
- ۴- العلم الحديث حجة للإنسان أم عليه (۳جلد)
- ۵- تقديم طاعة على الأخرى أو تركها نظراً للزمان، والمكان والأحوال
- ۶- مقالات وردود علمية
- ۷- مقالات أدبية إجتماعية
- ۸- المباح من الحيوان وشروط حل الذبيحة
- ۹- ذبائح أهل الكتاب وشروط حلها
- ۱۰- حكم الصيد وشروطه وآدابه
- ۱۱- المحرم من الحيوان وبيان الحكمة من تحريمه
- ۱۲- حكم الأضحية والهدى والحكمة من مشروعيتها
- ۱۳- العقيدة وحكمها والحكمة من مشروعيتها
- ۱۴- أخطاء لغوية معاصرة
- ۱۵- السبيل المرشد إلى بداية المجتهد (۴جلد)
- ۱۶- الأدعية والأذكار الواردة في المناسبات
- ۱۷- الابتلاء والصبر عليه ومكانته من الإيمان

- ١٨- الواقع التاريخي للمسلمين
- ١٩- الرحمة وشموليتها في الإسلام
- ٢٠- المرأة ومكانتها في الإسلام
- ٢١- آداب الزواج والمعاشرة
- ٢٢- المسؤولية في الإسلام (كتاب حاضر)
- ٢٣- الخصائص الإسلامية
- ٢٤- واقع المسلمين اليوم
- ٢٥- فضائل الأمة الإسلامية في الدنيا والآخرة
- ٢٦- السلم في الإسلام وآداب المجالس
- ٢٧- الجمعة والجماعة
- ٢٨- موسوعة علم الحديث في ميزان الكتاب والسنة
- ٢٩- رحلة الفتى إلى الخلود